



گزارش انتخابات و نتایج آن در انگلستان

پنج شنبه بزرگ

صفحه ۲

BRITISH AIRWAYS EXCLUSIVE FARE TO TEHRAN

First flight starts on
14th July 2016



Enjoy top service with British Airways

BRITISH
AIRWAYS

Preferred Partner

fr. **£329**

IKB
Travel & Tours LTD

Call now 0207 100 0151
www.YouShouldTravel.com

حزب کارگر انگلیس با فتح لندن به قدرت بازگشت

برای اولین بار یک مسلمان به عنوان شهردار یک پایتخت اروپایی انتخاب شد. شهردار جدید فرزند مهاجرانی از پاکستان است که در دهه ۶۰ میلادی در لندن ساکن شدند. پدرش در این شهر راننده اتوبوس بود. خان در رشته حقوق درس خواند و پیش از اینکه به عنوان نماینده حزب کارگر برای حوزه انتخابیه لندن در سال ۲۰۰۵ انتخاب شود، یک وکیل حقوق بشری بود. حل معضل مسکن در لندن یکی از اولویت‌های اصلی اولین شهردار مسلمان این شهر اروپایی است.

رکوردی است که از سوی حزب کارگر ثبت شده است. به گزارش الجزیره، جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر، پیروزی خان را به وی تبریک گفت. به نوشته الجزیره، برای شهرداری لندن دو نامزد وجود داشت: یکی صادق خان که توانست ۴۴ درصد از آرای ترجیحی دور اول را به دست آورد و دیگر زاک گلدسمیت، نامزد محافظه‌کاران که ۲۵ درصد از آرای مردم را به دست آورد. به نوشته گاردین اما خان در آرای ترجیحی دور دوم توانست ۵۷ درصد آرا و گلدسمیت ۴۳ درصد را به دست بیاورد. به گزارش یورونیوز، پدر صادق خان راننده و مادرش خیاط بودند و اولین مسلمانی است که اداره پایتخت یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی جهان را برعهده می‌گیرد. او از سوی رقیبش، زاک گلدسمیت، نامزد محافظه‌کاران متهم شده که از افراط‌گرایان حمایت می‌کند.

اما زاک گلدسمیت ۴۱ ساله، دیگر نامزد انتخابات شهرداری لندن و فرزند یک میلیاردر فرانسوی-بریتانیایی است. او از حمایت دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا و بوریس جانسون، شهردار فعلی لندن و از مدافعان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بهره‌مند است. جانسون، شهردار جنجالی لندن پس از هشت سال با تالار شهر خداحافظی می‌کند. الجزیره می‌نویسد: اردوگاه زاک گلدسمیت با اتهاماتی مانند «کتیف» و «منفی» دست به گریبان بود و این اتهامات حتی از



مردم بریتانیا روز پنج‌شنبه شاهد برگزاری یک انتخابات مهم محلی بودند. به گزارش یورونیوز، رای‌گیری در لندن برای انتخاب شهردار جدید از ساعت ۸ صبح پنج‌شنبه آغاز و در نهایت اعلام شد که صادق خان، نامزد ۴۵ ساله حزب کارگر که وکیل حقوق بشر بوده و اصلیتی پاکستانی دارد، به عنوان شهردار انتخاب شده است. به نظر می‌رسد در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ حزب کارگر دو رکورد اساسی زده است. سال گذشته با انتخاب جرمی کوربین شوکی بزرگ به بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی وارد کرد؛ به گونه‌ای که این دیدگاه در میان بسیاری مطرح شده بود که یار غار واشنگتن گام در راه سوسیالیسم گذاشته است. اکنون هم انتخاب صادق خان به عنوان یک مسلمان برای شهرداری لندن دومین

درون حزب محافظه‌کار نیز به سوی او نشانه می‌رفت زیرا وی بیش از رقابت بر این تاکید داشت که خان با افراطیون (به دلیل هویت پاکستانی‌اش) در ارتباط است.

منتقدان، گلدسمیت را متهم به حمله به خان کرده و او را «نژادپرست» خطاب کرده‌اند اما او این اتهام را نمی‌پذیرد. در مقابل، صادق خان خود را «مسلمان بریتانیایی» می‌داند که «خواهان مبارزه با افراطیون است». او گلدسمیت را متهم کرده که می‌خواهد رای‌دهندگان را بترساند و رای ۸/۶ میلیون نفر از

رای‌دهندگان را سرشکن کند. از این میان یک میلیون نفر مسلمان هستند. الجزیره می‌نویسد: این پیروزی «اهمیت نمادین بزرگی» برای بریتانیا به لحاظ بین‌المللی داشت. به نظر می‌رسد این انتخابات به عرصه نبرد لفظی گلدسمیت با خان تبدیل شده بود. بسیاری بر این باورند که «آنچه جالب بود این بود که این انتخابات بسیار شخصی و بسیار تلخ و زشت‌تر از آن چیزی بود که بسیاری از مردم پیش‌بینی می‌کردند.»

گلدسمیت همواره خان را به ارتباط با افراطیون متهم می‌کرد. او می‌گفت خان انتخابات را سکویی برای ارتباط هر چه بیشتر با افراطیون کرده است. در مقابل، صادق خان رقبای خود را به «اسلام‌هراسی» و «رقابتی نژادپرستانه» متهم کرد. به گزارش گاردین، خان گفت: «من مفتخرم که لندنی‌ها امروز امید را به ترس و اتحاد را بر شکاف ترجیح داده‌اند.» گاردین ضمن ارائه گزارشی مفصل از تنش‌های لفظی میان این دو نامزد می‌افزاید خان که پنجمین فرزند از ۸ فرزند خانواده است اعلام کرده که به مدت ۴ سال افزایش هزینه حمل‌ونقل برای اوست. همچنین اعلام کرده که به مدت ۴ سال افزایش هزینه حمل‌ونقل را نخواهد داد. گاردین می‌افزاید: خان اعلام کرده که نیمی از خانه‌های جدید «باید قابل خرید» شوند و افزوده که خیابان آکسفورد را سنگفرش خواهد کرد.

وکیل در کسوت شهردار

شهردار جدید فرزند مهاجرانی از پاکستان است که در دهه ۶۰ میلادی در لندن ساکن شدند. پدرش در این شهر راننده اتوبوس بود. خان در رشته حقوق درس خواند و پیش از اینکه به عنوان نماینده حزب کارگر برای حوزه انتخابیه لندن در سال ۲۰۰۵ انتخاب شود یک وکیل حقوق بشری بود. به گزارش الجزیره، گوردون براون، نخست‌وزیر سابق، خان را وارد کابینه کرد ابتدا به عنوان وزیر ارتباطات و سپس به عنوان وزیر حمل‌ونقل. پس از اینکه حزب کارگر قدرت را در سال ۲۰۱۰ واگذار کرد، اد میلیبند رهبر این حزب خان را در کابینه سایه قرار داد. انتخاب او تحسین بسیاری را برانگیخت. تحسین‌کنندگان معتقد بودند که انتخاب خان محصول تکثر فرهنگی بریتانیاست اما برخی دیگر معتقدند که انتخاب او نشانی است از اسلامیزه شدن غرب به‌ویژه بریتانیا. این رویکرد باعث شده خان در تقابل با محافظه‌کاران مذهبی قرار بگیرد.

در فضای مجازی هشتگ‌های بسیاری به نام «خان» ساخته شد. برخی به تحقیر او را فرزند یک راننده اتوبوسی معرفی کردند که انسجام فرهنگی بریتانیا را از هم خواهد گسست و در نهایت بریتانیا را به دامان افراط‌گرایی سوق خواهد داد اما برخی دیگر می‌گفتند او اولین مسلمانی است که شهردار لندن شده و بنابراین خصلت تکثرگرایانه، فراگیر و سکولار بریتانیا باعث شد او بتواند سلسله مراتب ترقی را پیموده و به شهرداری برسد. با این حال، فضای قاره سبز بر خلاف لندن بود. اگر در لندن بسیاری از سیاستمداران (اعم از کارگر، محافظه‌کار و ...) و توده مردم صادق خان را نماد «تهدید تروریستی»، «اسلام افراطی» و «فردی غیرایمن برای اداره شهر» می‌دانستند اما به گزارش گاردین، در اروپا استقبال زیادی از خان شد. سرمقاله‌های روزنامه‌های فرانسوی، هلندی، سوئیسی و آلمانی چنین بود: «اولین شهردار مسلمان لندن»، «اولین شهردار مسلمان یک پایتخت مهم اروپایی» و «میلیونرها سبز در برابر یک مسلمان چپ‌گرا.»

به گزارش بی‌بی‌سی، شهردار جدید لندن می‌گوید: علاقه‌اش به سیاست را مدیون مدیر مدرسه‌اش است که از قضا اولین مدیر مسلمان در دبیرستانی در بریتانیا بود. خان می‌گوید: مدیر مدرسه به او کمک کرد بفهمد «رنگ پوست و تبار یک نفر مانعی در راه آنچه می‌خواهد در زندگی‌اش انجام دهد، نیست.» او قصد داشت دندانپزشک شود، اما با توصیه یک معلم نظرش عوض شد و سراغ حقوق رفت. او در دوران وکالتش در چند پرونده بزرگ و جنجالی علیه پلیس لندن پیروز شد. پیروزی در این پرونده‌ها یکی از بهانه‌های حمله محافظه‌کاران به صادق خان در جریان کارزار انتخابات شهرداری لندن بود. آنها او را متهم می‌کردند که زندگی حرفه‌ای‌اش را بر مبنای کمک به افراد برای شکایت از پلیس بنا کرده است.

کارزار انتخابات شهرداری لندن بود. آنها او را متهم می‌کردند که زندگی حرفه‌ای‌اش را بر مبنای کمک به افراد برای شکایت از پلیس بنا کرده است. صادق خان از سال ۲۰۰۵ نماینده محله توتینگ در مجلس عوام بریتانیا بوده است. او وعده داد شهرداری برای همه لندنی‌ها باشد و عدالت اجتماعی را به این شهر بیاورد. او حتی در دولت گردون براون نیز به سمت معاون وزیر اقلیت‌های کشور برگزیده شد، او همچنین به وزارت حمل و نقل کشور رسید و پس از تغییر دولت نیز او در مجلس عوام مسوولیت وزارت حمل و نقل اد میلیبند در دولت در سایه را بر عهده گرفت.

رابطه صادق خان با جرمی کوربین به نظر می‌رسد صادق خان اگرچه به عنوان فردی لیبرال محسوب می‌شود اما نزدیکی با اد میلیبند، رهبر سابق حزب کارگر داشته و چندان علاقه‌ای به جرمی کوربین ندارد. زیرا به نظر می‌رسد صادق خان بخشی از حزب کارگر را تشکیل می‌دهد که نظر خوبی نسبت به کوربین ندارند. با این وجود جرمی کوربین به عنوان رهبر حزب کارگر پیش از اعلام رسمی نتایج نهایی انتخابات به صادق خان تبریک گفت و اعلام کرد که آمادگی همکاری با او را دارد.

زندگی خصوصی صادق خان

صادق خان در هشتم اکتبر ۱۹۷۰ در جنوب لندن به دنیا آمد. خانواده او از جمله مهاجران پاکستانی بودند که به بریتانیا آمدند و در آنجا ساکن شدند. صادق خان پنجمین فرزند از یک خانواده هشت نفری است که هفت نفر آنها پسر هستند و یک نفر آن دختر است. پدر او در لندن یک راننده اتوبوس بود و مادر وی به کار خیاطی مشغول بود. صادق خان برای تامین درآمد‌های خود از بچگی مشغول کار بوده است. او از سن پانزده‌سالگی وارد حزب کارگر بریتانیا شد تا بتواند در آینده کشور سهمی داشته باشد. صادق خان در خصوص علاقه خود به سیاست می‌گوید: مشوق اصلی من برای ورود به سیاست مدیر دبیرستانی بود که نخستین مدیر مسلمان کشور شناخته می‌شد. وی می‌افزاید: من در ابتدا قصد داشتم دندانپزشک شوم اما به سمت رشته حقوق رفتم. صادق خان پس از تحصیل حقوق در دانشگاه لندن به وکالت در پرونده‌های حقوق بشری پرداخت و وقتی فقط ۲۷ سال سن داشت به همراه یک شریک موسسه خدمات حقوقی خودش را داشت. او در دوران وکالتش چند پرونده بزرگ و جنجالی را علیه پلیس لندن برد. پیروزی در این پرونده‌ها یکی از بهانه‌های حمله محافظه‌کاران به صادق خان در جریان

اهمیت لندن

شهرداری شهری مانند لندن و با حدود ۹ میلیون جمعیت و کنترل آن به عنوان پایتخت برای هر دو حزب اصلی محافظه‌کار و جمهوریخواه از اهمیت بالایی برخوردار است. حضور حزب کارگر پس از هشت‌سال در شهرداری لندن نیز اتفاق درخور توجهی است. در هشت سال گذشته با حضور بوریس جانسون بر راس مدیریت پایتخت انگلیس برای جایگاه اجتماعی حزب محافظه‌کار از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است. اما بوریس جانسون خود را یکی از رقبای اصلی دیوید کامرون برای ریاست بر حزب محافظه‌کار و نخست‌وزیری می‌بیند. او برخلاف کامرون مخالف حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا است و منتظر یک لغزش از کامرون است تا او را از مسند ریاست حزب کنار بگذارد. حال به نظر می‌رسد حضور حزب کارگر بر مدیریت پایتخت لندن می‌تواند نفوذ حزب کارگر را نسبت به سال‌های گذشته افزایش دهد. شهردار لندن نفوذ بسیار زیادی در رایزنی‌های با دولت و همچنین با سرمایه‌داران و بازار سرمایه این شهر دارد. شهردار همچنین مسوول مدیریت پلیس، حمل و نقل، مسکن و محیط زیست شهر را نیز برعهده دارد.



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

سیاسی تر باشند و به مشارکت سیاسی اشتیاق نشان دهند اگرچه حتی برایشان نان و آب نشود، مردم می آیند و بعد از یک دوره ی پر حادثه ، در حالی که حتی گمانه زنی ها خبر از احتمال بالای دلسردی آنها میدهد ، حماسه ی ۹۲ را خلق کنند.

مردمی که به اعتراف خود ، سیاست ایران را در چارچوب تحزب قابل پیش بینی نمی بینند و بیشتر آنرا تاثیر پذیر از کنشگران سنتی می دانند و بر این باورند که بخشی از آنها بر حسب وظیفه و تکلیف ، بخشی بر اساس آرمان و عقیده و عده ای هم برای ایجاد مرزهای سود مشترک و یا هر انگیزه ی فردی دیگر پای صندوق های رای خواهند رفت ، می آیند با آرامش و مشارکتی قابل توجه بدون بزرگ نمایی به لیستی که ایده ی رفع مشکلات و تعامل با جهان را دارد و همسو با اندیشه ای که اتفاقا بیش از هر چیز از جریان های تحزب گرا آب می خورد رای می دهند تا با متانت، شعور سیاسی خود را نشان دهند ،

با چنین تجربه ای دیگر نمی توان به نام اراده ی ملت کلاه های شرعی برای مصلحتهای خویش ساخت و هر اقدام بدون مطالعه و ناشیانه ای را به نام خدمت به مردم بزرگنمایی کرد ، چرا که اراده پویای ملت این روزها دیگر خود به زبان آمده و نیازی به وجود نمایندگی انتزاعی برای بیان علائق و خواستههایش به دست دلالان سیاست نمی بیند.

اکنون که مسیر آگاهی و تمایلات ملت روشن شده است ، باید برآیند اعتماد ملت را در انتخاباتهای ایشان ببینیم ، این پاسخ واضح ، اقدام مشترک یک ملت در مواجهه با حادثه خیزی مختصات سیاسی در ایران است.

مردم از عملکردهای خوب و مثبت قدر دانی خواهند کرد اما تقدس پروری نخواهند کرد، قهرمانانه خواهند ماند اما قهرمان نخواهند ساخت . لذا میتوان ایجاد آگاهی و اعتماد عمومی به امنیت و ظرفیت رشد در فردای ایران را الزام یک اقدام مشترک دانست یعنی ملت به عنوان ناظر بر دولت باشد ، از عملکردهای مثبت و مفید قدر دانی و حمایت کند و در حاشیه امن قانون و آزاد ی بیان ، عملکردهای منفی و مضر را به نقد بکشد .

این الزامات به رنجهای مردم و استقامتشان جهتی عقلانی می دهد و در نهایت این مردمی با آگاهی سیاسی از باید های ضروری جامعه هستند که کنشگران این عرصه را تعیین می کنند و طی اقدامی مشترک برای توسعه ی پایدار کشور، که اینبار از پایین و بطن مردم در سپهر سیاست جوانه زده تلاش کنند و آن را تبدیل به نهالی کنند که در سایه ی آن رفاه و امنیت اجتماعی پایدار ، اشتغال ، اقتصادی پویا، رسانه و فرهنگی درونزا و اعتدال برای اجتماعی عقلانی حاصل گردد .

همین شعور سیاسی ملتی حساس به سیاست بود که ۶ قدرت اثر گذار در تصمیمات بین المللی را وادار به اعتماد و تعامل با جمهوری اسلامی ایران کرد و در مقابل برداشت افراطی گری و خشونت طلبی از اسلام در منطقه توانست با عملکرد خود ، بینش عمیق یک ملت نجیب را تبدیل به اعتبار یک امت کند ، تا جایی که هر مسلمان عقلگرا و صلح طلب در هر کجای جهان بر اراده ملت ایران درود گفت. در شرایطی باورهای یک امت نیاز به اعلام برائت از خشونت طلبی داشت ، دیپلماسی ایرانی این اعتبار را باز یافت و امت اسلامی این روزها وام دار همین اقدام مشترک ملت ایران است که به حذف هیچ یک از پایه های هویتش نمی اندیشد و در عین حال اقدام به بازیابی خود در این تجربه ی چند گون کرده تا نسخه ای واقعی تر از مردم سالاری برای جهانیان باشد.

الزامات یک اقدام مشترک

گمانه زنی در خصوص ریشه سیاسی بودن جامعه ایرانی اغلب تحلیل گران را به مولفه هایی چون پوپولیسم، شعار زدگی، و جامعه هیجانی می کشاند. اما فراتر از این ظواهر ، شعار " ملت همیشه در صحنه" که در برهه هایی رنگ هیجانی داشته و در بازیگردانی برخی سیاستها با تفسیری مبهم اراده همگانی تلقی شد، در نهایت منجر به انزوای عقلانیت و گفتمان تعامل در آینه ی نقد مخالفین گردید ، باید ریشه ی اصلی توجه و حساسیت ایرانیها به سیاست و تصمیمات سیاسی به خصوص در دهه های اخیر را در ساختار زمانی ایران جستجو کرد. در واقع یکی از ریشه های اساسی اهمیت سیاست در ایران گره خوردن سرنوشت و آینده این ملت با تصمیمات سیاسی است. دورانی تصمیمات به محافل سیاست سپرده می شد و در واقع می توان گفت که حاکمان مشغول سیاستگذاری و اداره ی ملت بودند و مردم هم به سپهر اجتماعی و زیست بوم فرهنگ می پرداختند.

اما به مرور تصمیمات سیاسی با عریانی بیشتری سایه بر علایق، خواستهها، و حتی سفره های مردم انداخت. دولتمردان در یک مصاحبه ساده اعلام می کردند که از فردا یک صفر از واحد پول مملکت کم خواهد شد و این جملات فقط یک اعلان نبود بلکه پیامی حاوی کم ارزشتر شدن دستمزدها نیز داشت، یا اعلام می شد که ارتباط با فلان کشور به حد کاردانی تقلیل می یابد و از فردای آن روز تمام شهروندان دو تابعیتی که پیوستگی های عمیق با هر دو ملت داشتند حس حیرت همراه با احساس نا امنی از تامین حقوق خویش می کردند بله تصمیماتی ناگهانی که شهروندان به اضطراب و ناچاری بدون درگیری در فرایند کلی این برآیند باید آن را می پذیرفتند ، هرچند که به مقتضای زمان و موقعیت های خاص برای هر کشوری ممکن است چنین تصمیماتی پیش بیاید و عرف حاکم بر روابط دولت و شهروندان هم اغلب تا حد معقول اصل را بر بهنجار بودن آنها می گذارند و مردم هم با اعتماد به دولت مردان خود تصمیماتشان را تا رسیدن به سر منزل مقصود که باید مطلوبیت اکثریت را در بر داشته باشد همراهی می کنند.

اما مسئله جایی بروز می کند که فهرست این تصمیمات و دامنه دار شدن وضعیت فوق العاده ، مکرر و طولانی میشود و در آخر هم نتیجه مطلوبی حاصل نمی شود ، اینجاست که جماعت تنهای ملت بنا بر ضرورت به محیطشان حساس شوند و گردهم آیند تا آنگونه تاریخ هم شاهد آن بوده در قیام تنباکو، شاه را بر مدار خدمت بیاورند و یا حرکتهایی همچون اجتماع دانشجویی ۱۶ آذر را خلق کنند ، همین حساسیت به سرنوشت و فردایشان است که آنها را به حمایت از حق هسته ای شدن مصمم می کند و همچنین آنها را مشتاق به پرداختن بهائی می کند که برای حفظ عزت و شرف خاک خویش باشد نه سودای جهان گیری و ایجاد هراس از قدرت نظامی و تخریب ، آنها تبدیل به مردمی میشوند که پشت دولت مردان خود می ایستند اما پیش از آن می دانند که نمایندگانشان در جهان چه رویایی در سر دارند،

این تجربیات آگاهی طلب از یک ملت مردمانی می سازد که

سوار بر اسب نیست. هیچکس را در حال تعظیم نمی بینید. هیچکس سرافکنده و شکست خورده نیست هیچ قومی بر قوم دیگر برتر نیست و هیچ تصویر خشنی در آن وجود ندارد. از افتخارهای ایرانیان این است که هیچگاه برده داری در ایران مرسوم نبود ه است در بین صدها پیکره تراشید ه شده بر سنگهای تخت جمشید حتی یک تصویر برهنه و عریان وجود ندارد. بخاطر بسپاریم که از چه نژادی هستیم و دارای چه اصالتی می باشیم.

این شناسنامه همه ماست



در تصاویر حکاکی شده بر سنگهای تخت جمشید هیچکس عصبانی نیست. هیچکس

بگذار تو را در آغوش گیرم،
برای انسانهای عاقل می توان گفت
که، مصیبتی نا خوشایند، دوره
آموزشی هوشمندانه ای است.

هنری ششم، بخش سوم، پرده سوم، صحنه اول.

Let me embrace
thee, sour adversity,
for wise men say it is
the wisest course.

Henry VI, Part III, Act III, sc.1.



برگرفته از کتاب اند پشه های زرین شکسپیر
گردآوری و ترجمه: هلیا معینی

هفته نامه پرشین از نوشته های نویسندگان و خوانندگان استقبال کرده ولی در ویرایش آنها آزاد است. مسئولیت آگاهی ها و صحت آنها بعهدہ صاحبان آن میباشد. هفته نامه پرشین در قبول یا رد آگاهی ها صاحب اختیار می باشد.
کلیه حقوق مادی و معنوی برای
Golden Class Ltd. به شماره ثبت
۰۶۷۶۲۵۱۱ به تاریخ اول دسامبر ۲۰۰۸ محفوظ
است.

نمایندگی و مرکز پخش در سوئد:
کتاب فروشی بین المللی فردوسی
آقای مهدی رحیم زاده

Tegnérsgatan 32, Stockholm,
SE-11360, Sweden
Tel: 0046 8 3230 80

با تشکر از مواد غذایی ماهان جهت توزیع در
دیگر شهرهای انگلستان

تیراز: ۳۰۰۰ نسخه چاپی

DON'T FORGET

Help to keep public area
clean and tidy for every-
one by taking your copy
of Persian Weekly paper
with you, when you leave
When you have finished
with this publication please recycle it.



follow us on
twitter

Find us on
Facebook



120216 Likes

www.facebook.com/persianweeklypaper

هفته نامه پرشین

اجتماعی ، فرهنگی ، هنری



هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد و صرفا در جهت اطلاع رسانی صحیح گام بر می دارد. تمامی مطالب از سایت ها، روزنامه های معتبر، مقالات رسیده و خبرگزاریهای رسمی با ذکر نام نویسنده انتخاب و به چاپ می رسد.

مدیرمسئول و سردبیر:

عباس نجفی زرافشان

editor@persianweekly.co.uk

شورای همکاران و نویسندگان:

دکتر علا امیرشاهی،

امیراسلان یکتامنش، ناصر نوروزی،

احسان صادقیان

بازاریابی و فروش:

جواد توتونچی

Tel: 020 7193 5592

Mob: 078 11000 455

www.persianweekly.co.uk

info@persianweekly.co.uk

با آبونمان (اشتراک) هفته نامه پرشین،
به گسترش فرهنگ و هنر جدای از
هرگونه گرایشهای سیاسی و مذهبی،
کمکی وافر میکنید.



تاثیرات برجام بر تماس‌های تهران و واشنگتن رابطه آمریکا و ایران تغییر کرده است

نویسنده: جان لیمبرت، گروگان سابق سفارت آمریکا در تهران

چیز شبیه آنچه در چند سال گذشته بود، نیست. برای مثال، تا چند سال پیش قابل تصور نبود که:

جان کری، وزیر خارجه آمریکا و محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، ارتباط مداومی با یکدیگر داشته باشند و به طور منظم درباره مسائل مربوط و غیرمربوط به توافق هسته ای با یکدیگر دیدار کنند. ارنست مونیز، وزیر انرژی آمریکا، و همتای ایرانی اش علی اکبر صالحی برای رفع پرسش‌ها درباره مسائل تکنیکی برجام به طور مرتب با یکدیگر در ارتباط باشند.

روابطی که در دو مورد بالا اشاره شد (همواره) مثبت و سازنده توصیف شود و خبری از اتهامات و تنش‌های سه دهه گذشته آمریکایی-ایرانی شنیده نشود.

مقام‌های رده پایین نیز با یکدیگر در ارتباط باشند و به طور مستقیم پیام‌های ایمیلی با یکدیگر رد و بدل کنند، چیزی که تا چند سال پیش اصلاً شنیده نشده بود.

این تعاملات، سیاست نامفهوم «بدون تماس» واشنگتن را خرد کرده است، سیاستی که مقام‌های آمریکایی را از ارتباط با همتایان ایرانی منع می‌کرد. مقام‌های ایرانی قادرند با حمایت آشکار رهبر ایران با همتایان آمریکایی خود تماس داشته باشند - حتی ظریف و روحانی با باراک اوباما.

این سطح بی سابقه از تماس میان دو طرف مانع از ایجاد سوءتفاهم‌های اجتناب ناپذیر شده است، سوءتفاهم‌هایی که می‌تواند توافق هسته ای و کل فرایند تعامل را از میان ببرد. در ژانویه ۲۰۱۶ بود که فضای جدید در روابط دو کشور باعث آزادی سریع سربازان نیروی دریایی آمریکا از طرف ایران شد، سربازانی که قایقشان وارد آب‌های سرزمینی ایران شده بود. در شرایطی که مخالفان برجام در آمریکا با فریاد این واقعه را «بحران گروگانگیری» می‌خواندند، جان کری توانست در تماس خود با محمدجواد ظریف قائله را ختم کند. (اما) تا چند سال کسی نبود تا به تماس تلفنی جان کری پاسخ دهد.

دیدار ۲۲ آوریل میان کری و ظریف در نیویورک نیز تصویر دیگری از یک واقعیت جدید ارائه کرد. همچنانکه دو کشور به انتشار بیانیه‌هایی با این مضمون که توافق هسته ای هیچ چیز را تغییر نداده و دو طرف (همچنان) دشمنان قسم خورده یکدیگر باقی می‌مانند، ادامه می‌دهند کاملاً روشن است که چیزهای بسیاری (در این میان) تغییر کرده است.

منبع: لوب لاگ

کرد. به دلیل نبود ارتباط، سوءتفاهم‌های کوچک حوادث بزرگی را به دنبال داشت. به عنوان مثال، اجرای دستگیری سه کوهنورد آمریکایی سرگردان در نزدیکی مریوان که به جنجالی سیاسی میان دو کشور تبدیل شد. مذاکره کنندگان گروه ۵+۱ بر سر برنامه هسته ای ایران وارد چانه زنی‌ها بی ثمر سطحی چون چانه زنی بر سر زمان و محل مذاکرات بعدی شدند. هر دو طرف خود را قانع کرده بودند که داشتن مواضع «سخت» در برابر طرف مقابل مهم‌تر از زیرک بودن است.

دوست داشته باشیم یا نه، این مشخصه‌ها از میان رفته است. تغییرات (روابط دو کشور) در طول سه سال گذشته عمیق‌تر شده است، حتی اگر دو طرف انکار کنند که چنین تغییراتی اتفاق افتاده است. واشنگتن و تهران متوجه شده‌اند که گفتن «بله» - اگرچه دشوار است - اما با گفتنش آسمان به زمین نمی‌آید. حتی مخالفان سرسخت (ارتباط با آمریکا) در ایران و کسانی که ایران هراسی را در ایالات متحده ترویج می‌کنند نیز، به رغم بی میلی خود، مجبور خواهند شد اعتراف کنند که همه چیز تغییر کرده است.

گذشته از جزئیات قانونی و علمی توافق هسته ای، مذاکره و امضای این توافق دستاورد مهمی بود. هر دو طرف مجبور شدند که شعارهای حداکثری محبوب خود را برای رسیدن به محدودیت‌های قابل‌بازبینی در برنامه هسته ای ایران (در واشنگتن) و رهایی از تحریم‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی (در تهران) کنار بگذارند. بیشتر انتقادها از توافق هسته ای ارتباطی به نقاط قوت یا ضعف محتوای این توافق ندارد. در عوض، مخالفان از کل فرایند دیپلماسی، با تاکید بر ماهیت شیطانی و مکار آمریکا از یک طرف و درخواست برای تسلیم شدن تهران به جای توافق از طرف دیگر، انتقاد می‌کنند. در یک سو مخالفان (در آمریکا)، برجام را از توافق مونیخ بدتر می‌خوانند، توافقی که در سال ۱۹۳۸ با آلمان نازی منعقد شد و به نماد مماشات با نازی‌ها تبدیل شده است و از طرف دیگر، مخالفان (در ایران) این توافق را بدتر از ترکمنچای می‌خوانند، توافقی که یادآور معاهده تحقیرآمیز ۱۸۹۲ روسیه تزاری و قاجار است که به قیمت قلمرو ارزشمند و حاکمیت قاجار تمام شد.

شواهدی از پیشرفت گذشته از این که مخالفان و موافقان درباره این توافق، فرایند مذاکره و کل ماجرا چه فکری می‌کنند، مجبور خواهند بود اعتراف کنند که اکنون هیچ

تهران و واشنگتن ظاهراً متن‌های سخنرانی مشابهی را در بیانیه‌های پایانی توافق هسته ای (برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام) داشتند. در هر دو پایتخت اعلام شد که توافق هسته ای یک واقعه مجزا بوده و قرار نیست تاثیری بر روابط ایالات متحده - ایران داشته باشد، قرار نیست هیچ تغییری در خصومت ۳۵ ساله دو کشور ایجاد شود، شیطان، همچنان شیطان است حتی اگر مجبور باشیم که با آن توافق کنیم، و طرف مقابل گمراه، سلطه‌گر و غیرقابل اعتماد باقی می‌ماند و دست از تلاش بلندمدت خود برای شرارت علیه ما (ایران) برنمی‌دارد.

حتی برای اصرار بر این که به دلیل خصومت (میان ایران و آمریکا) برجام یک اپیزود محدود و منحصر به فرد باقی خواهد ماند، رقابتی میان دو طرف وجود دارد. سوزان رایس، مشاور امنیت ملی باراک اوباما اخیراً به نشریه آتلانتیک گفته است: «توافق ایران هرگز قرار نبوده به معنی تلاش برای آغاز دوره ای جدید از روابط میان ایالات متحده و ایران باشد. هدف این توافق فقط کاستن از خطر ایران بود. هیچ کس انتظار نداشت که ایران قدرتی سازنده (در عرصه منطقه‌ای و جهانی) شود.»

(در نهایت) به این نقطه می‌رسیم که هر دو طرف موافقتند که ایالات متحده و ایران دوستان یکدیگر نبودند، دوستان یکدیگر نیستند و قرار نیست که با یکدیگر دوست باشند. در تهران، آمریکا هنوز هم «شیطان بزرگ» و «استکبار جهانی» است و در واشنگتن، ایران به عنوان کشور ردیف اول در حمایت از تروریسم باقی می‌ماند، کشوری که رویای تسلط بر منطقه را نیز دارد.

بازی با کلمات در برابر واقعیت به رغم انکارها، واقعیت چیز دیگری است. اگرچه مقام‌های دو طرف هرگز اذعان نخواهند کرد (اما) تغییر قابل ملاحظه‌ای در روابط (آن‌ها) ایجاد شده است و ما شاهد تعاملاتی هستیم که تا چندی پیش حتی قابل تصور هم نبودند. از سال ۱۹۷۹ (در ۳۴ سال گذشته) ویژگی‌های روابط ایالات متحده و ایران به شرح زیر بود:

دو طرف به ندرت با یکدیگر صحبت می‌کردند و تعاملات آن‌ها شامل توهین، (ایراد) اتهامات و تهدید بود.

تلاش‌ها برای تغییر رابطه حاصلی جز سوءظن، بی‌اعتمادی، تندتر شدن سیاست داخلی (علیه یکدیگر) و... نداشته است. دو طرف شکایت‌هایی واقعی و خیالی را پروردند که دشمنی‌ها را عمیق‌تر



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

بین الملل

القاعده، ۵ سال بعد از مرگ «بن لادن»

«اسامه بن لادن»، رهبر شبکه تروریستی القاعده، دشمن شماره یک آمریکا و نماد تروریسم جهانی بود. بن لادن کشته شد و «داعش» فعالیت خود را آغاز کرد. القاعده در حال حاضر چه نیروهایی را در اختیار دارد و تا چه حد تواناست؟ به گزارش دویچه وله، گروه «انصار الاسلام» یکی از گروه‌های وابسته به شبکه تروریستی القاعده در بنگلادش، در روزهای پایانی ماه آوریل سال جاری میلادی مسئولیت کشتار فجیع دو فعال دگرپاش این کشور «منان» و «تونوی» را برعهده گرفت. این اقدامات تروریست‌های گروه انصارالاسلام، یکی از گروه‌های وابسته به شبکه تروریستی القاعده در بنگلادش، نشان‌دهنده این واقعیت است که القاعده، که روزی زیر فرمان مستقیم اسامه بن لادن بود، با وجود فعالیت‌های وسیع جریان تروریستی داعش هنوز فعال است و همچنان به خون‌ریزی ادامه می‌دهد.



این واقعیت است که القاعده در عراق به طور کامل مستقل عمل می‌کرد. و به این ترتیب بود که القاعده در عراق از مرکزیت خود جدا شد. در سال ۲۰۰۶ میلادی ابومصعب الزرقاوی در پی حمله آمریکا کشته شد. القاعده عراق گرچه با کشته شدن الزرقاوی ضعیف شد، اما به فعالیت‌هایش ادامه داد. از همین گروه تروریستی بود که بعدها جریان تروریستی «داعش» سر برآورد؛ سازمانی که از القاعده فاصله گرفت و دشمنی عمیقی با این سازمان پیدا کرد. در دوم می سال ۲۰۱۱ در پی حمله نیروهای آمریکا به مخفیگاه بن لادن در پاکستان، رهبر القاعده کشته شد. «ایمن الظواهری»، جانشین بن لادن، در سال‌های پس از مرگ او نتوانست جهادگرایان جوانان را مانند بن لادن شیفته خود کند.

جبهه افراطی «النصره» که با شبکه تروریستی القاعده هم‌پیمان است، نیز در سوریه چندان قوی نیست. گیدو اشتاین‌برگ بر این باور است که گروه النصره در سوریه «با دیگر گروه‌های مخالف همکاری می‌کند و وظیفه اصلی خود را حمایت از مردم منطقه تعیین کرده است». اشتاین‌برگ می‌گوید: «سیاست القاعده در این مرحله سیاستی مصلحت‌گرایانه برای رسیدن به هدف است؛ سیاستی در مقابل سیاستی سلفی‌گرایانه». در چنین شرایطی دشمنی میان القاعده و داعش افزایش یافته و القاعده به این نتیجه رسیده که این گروه تروریستی باید از میان برود و همین سیاست راهبردی القاعده است که سبب شده این سازمان به شدت خطرناک شود و قدرت ماندن یابد. اکنون القاعده هر جای دنیا که فعالیت می‌کند با مردم درمی‌آمیزد. البته گرچه دیگر از سلسله مراتب سازمانی آن خبری نیست، اما اعضای این گروه‌ها از رهبران محلی خود فرمان می‌گیرند. گروه‌های وفادار به القاعده مرکزی هنوز هم در سوریه، شمال آفریقا یا بنگلادش علیه تأثیرات غرب می‌جنگند.

ابومصعب الزرقاوی علیه شیعیان عراق فاصله گرفت. دلیل این امر نیز مشخص بود، زیرا بن لادن مبارزه با غرب و آمریکا را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود، اما ابومصعب الزرقاوی از رهبرانی بود که نفرت



از شیعیان و مبارزه با آنان را هدف خود می‌دانست. «گیدو اشتاین‌برگ»، کارشناس امور تروریسم، در این باره می‌گوید: «بن لادن و ایمن الظواهری بارها علیه این سیاست موضع‌گیری کردند». ایمن الظواهری در سال ۲۰۰۵ میلادی نامه‌ای به ابومصعب الزرقاوی نوشت و در این نامه کوشید زرقاوی را به تغییر مواضع خود تشویق کند. اشتاین‌برگ نتیجه می‌گیرد: «این نامه هیچ تأثیری نداشت و همین امر نشان‌دهنده

و این کشور در همان سال ۲۰۰۱ میلادی نیروهایش را به سوی افغانستان گسیل کرد و به القاعده اعلام جنگ داد. بن لادن و نیروهایش به بخش‌های شمالی پاکستان عقب‌نشینی کردند.

اختلافات در رهبری القاعده پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۲ میلادی به عراق، «القاعده در عراق» فعالیت خود را در این کشور آغاز کرد. «ابو مصعب الزرقاوی» که سال‌ها در افغانستان جنگیده بود، به کمک یارانش، رهبری شاخه عراق القاعده را به دست گرفت. اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده، که در ابتدا با فعالیت‌های شاخه عراق القاعده موافق بود، پس از چندی به همراه بسیاری از سنی‌مذهبان این کشور از سیاست خشونت‌طلبانه

فرازوفروید القاعده اسامه بن لادن از همان شروع فعالیت شبکه تروریستی القاعده، رهبری آن را برعهده داشت. او کسی بود که نام القاعده را تعیین و مخارج مبارزه اعضا را در افغانستان تأمین کرد. چهره او برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ در مبارزه مجاهدان افغان با نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق مشهور شد. در آن زمان اعراب به کمک برادران همدین‌شان به افغانستان می‌آمدند تا علیه «کافران غاصب» بجنگند. این اتحاد دینی میان جهادگرایان بعدها در سال ۱۹۹۷ توسط اسامه بن لادن و «ایمن الظواهری»، مرد شماره دو جهادگرایان، به تشکیل شبکه تروریستی القاعده انجامید و جهان را مدت‌ها در ترس فرو برد. القاعده به تدریج ساماندهی بیشتری یافت. اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده، چهارسال پس از تشکیل این

استعفای داوود اوغلو به معنای کودتای اردوغان است

رهبران دو حزب اپوزیسیون "مردم جمهوریخواه" و "دموکراتیک خلق" ترکیه اعلام کردند، تصمیم احمد داوود اوغلو برای استعفا از رهبری حزب عدالت و



توسعه و متعاقب آن کنار رفتن از نخست وزیری، نشانه کودتای رجب طیب اردوغان است. به نقل از روزنامه حریت، کمال قلیچداراوغلو، رهبر حزب مردم جمهوری خواه ترکیه در کنفرانس خبری در آنکارا اعلام کرد: استعفای داوود اوغلو را نباید به عنوان یک مساله درون حزبی تلقی کرد. همه حامیان دموکراسی باید در برابر این کودتای تحمیل شده از سوی کاخ ریاست جمهوری مقاومت کنند. در پی بالا گرفتن تنش میان نخست وزیر ترکیه و

رئیس جمهوری این کشور، احمد داوود اوغلو روز پنج شنبه از رهبری حزب عدالت و توسعه کناره گیری کرد و گفت که در نشست ۲۲ مه (دوم خرداد) این حزب دیگر نامزد پست ریاست حزب نمی‌شود. وی ادامه داد: داوود اوغلو به خواسته ملت به عنوان نخست وزیر انتخاب شد اما اکنون وی وادار شده که این مقام را ترک کند. آن هم نه به خاطر ۲۳/۵ میلیون نفر که به وی رای داده اند بلکه فقط به خاطر یک نفر این کار را انجام می‌دهد. صلاح الدین دمیرتاش رهبر حزب دموکراتیک خلق در انتقاداتی مشابه گفت: مردم یکی را انتخاب کردند اما یک نفر در کاخ ریاست جمهوری می‌خواهد تصمیم بگیرد که چه کسی کشور را اداره کند، این یک کودتا است. وی ادامه داد: همانطور که داوود اوغلو در گذشته اعلام کرد، مردم هستند که در این باره تصمیم می‌گیرند چه کسی کشور را اداره کند. با این حال، ناجی بستانچی، معاون گروه پارلمانی حزب عدالت و توسعه اعلام کرد: برای این تغییر ناکهانی نیازی به نگرانی وجود ندارد. این اولین بار نیست که این حزب چنین تصمیمی را می‌گیرد. همچنین تانری کولو، معاون حزب مردم جمهوری خواه و رهبر پیشین این حزب نیز به اظهارات کمال قلیچدار اوغلو رهبر حزبی مبنی بر ابراز همدردی با داوود اوغلو واکنش نشان داده و گفت: در تاریخ این کشور می‌توان چنین دوره‌های کوتاه نخست وزیری را مشاهده کرد.

ELHAM EXCHANGE

REGISTERED WITH:




سرانی الهام

نقل و انتقال ارز به ایران و بالعکس

EMAIL: elhamexchange@gmail.com

Tel: 020 800 19 347

Fax: 020 804 33 789

Mobile: 07525 234 789

www.elhamexchange.com

BASED IN HARROW

اقتصاددانان علیه علم اقتصاد

دنی رادریک / استاد اقتصاد سیاسی دانشگاه هاروارد
ترجمه: شهاب‌الدین رحیمی

از اواخر قرن نوزدهم، یعنی زمانی که علم اقتصاد به‌طور روزافزون به

(مثل بحران‌های مالی) می‌شود، معمولاً از جانب اندیشمندان غیراقتصادی یا اقلیت اقتصاددانان هترودوکس مطرح می‌شود؛ اما اخیراً پیشروان این علم نیز به دسته منتقدان پیوسته‌اند.

پل کروگمن، اقتصاددان نوبلیستی که در روزنامه نیویورک تایمز نیز ستون ثابت دارد، مدل‌های جدید اقتصاد کلان را به خاطر نادیده گرفتن حقایق بیان شده توسط کینزین‌های محافظه‌کار سرزنش می‌کند. پل رومر، یکی از مبدعان نظریه جدید رشد، برخی از پیشروان علم اقتصاد مثل رابرت لوکاس نوبلیست را در مظان اتهام قرار داده است، که از ریاضی در جهت مبهم کردن مفاهیم استفاده کرده است تا روشن‌سازی آن.

ریچارد تالر، یکی از اقتصاددانان رفتاری برجسته در دانشگاه شیکاگو نیز به خاطر نادیده گرفتن رفتارهای جهان واقعی در مدل‌هایی که مردم را بهینه‌سازی عقلانی مفروض می‌کنند، به باد انتقاد گرفته شده است.



همچنین لوئیجی زینگالس، استاد فاینانس دانشگاه شیکاگو معتقد است همکاران او در زمینه علم مالیه با زیاده‌تلقی کردن منافع حاصل از صنایع مالی، جامعه را به بیراهه کشیده‌اند.

این شیوه انتقادی آن هم از جانب بزرگان خود این نظم (نظریه) پسندیده و مطلوب است، خصوصاً اینکه در این زمینه، کمتر جنبه‌های خودانتقادی

استفاده از ریاضیات و آمار روی خوش نشان داد و حوزه دعاوی خود را گسترده‌تر کرد، همواره کسانی که از این روابط استفاده کرده‌اند مورد سرزنش‌ها و اتهامات بسیاری قرار گرفته‌اند. این اتهامات که شامل غرور بیش از حد، غفلت از اهداف اجتماعی در سایه درآمدها، توجه بیش از حد به تکنیک‌های فرمال و عدم توانایی در پیش‌بینی رخدادهای مهم اقتصادی

دیده می‌شود. خود من نیز به اندازه کافی به مقدسات این نظم یعنی بازار آزاد و تجارت آزاد انتقاد کرده‌ام.

اما در مورد این انتقادات جدید شائبه مبهمی وجود دارد که نیاز است روشن شده و رد شود. علم اقتصاد علمی نیست که فقط در آن یک مدل صحیح وجود داشته باشد و بتواند در تمامی شرایط بهترین کارکرد را داشته باشد. همان‌گونه که رومر اشاره می‌کند، هدف، رسیدن به اتفاق نظر درباره درست بودن یک مدل نیست، بلکه دریافتن آن است که کدام مدل در شرایط معلوم، بهترین عملکرد را دارد. و انجام این کار علاوه بر علم به تبحر نیز نیاز دارد، به خصوص هنگامی که پای تصمیمات آتی در میان باشد.

ساختار دنیای اجتماعی از دنیای فیزیکی متفاوت است زیرا حاصل کار بشر بوده و بنابراین تقریباً بی‌نهایت انعطاف‌پذیر است. پس خلاف علوم طبیعی، پیشرفت علم اقتصاد با جایگزین کردن نظریات بهتر به جای نظریات قدیمی حاصل نمی‌شود، بلکه با گسترش مدل‌هایی به دست می‌آید که هر کدام بخشی از رویدادهای اجتماعی را روشن می‌کند.

برای مثال، امروزه ما مدل‌های بسیاری از بازارهای با رقابت ناقص یا اطلاعات نامتقارن داریم. این مدل‌ها باعث نمی‌شود مدل‌های قبلی که بر پایه رقابت کامل بوده است مهجور یا بی‌ربط به نظر برسد. آنها به سادگی به ما می‌فهمانند که چطور شرایط گوناگون مستلزم مدل‌های گوناگون است. به‌طور مشابه، مدل‌های رفتاری‌ای که بر تصمیم‌گیری تجربی تأکید دارد، ما را برای تحلیل محیط‌هایی که این بررسی‌ها ممکن است در آن حائز اهمیت باشد، آماده می‌کند. این مدل‌ها جایگزین مدل‌های انتخاب عقلانی نمی‌شوند. یک مدل رشد که برای کشورهای پیشرفته به کار می‌رود ممکن

علم اقتصاد علمی نیست که فقط در آن یک مدل صحیح وجود داشته باشد و بتواند در تمامی شرایط بهترین کارکرد را داشته باشد. همان‌گونه که رومر اشاره می‌کند، هدف، رسیدن به اتفاق نظر درباره درست بودن یک مدل نیست، بلکه دریافتن آن است که کدام مدل در شرایط معلوم، بهترین عملکرد را دارد.

است در مورد کشورهای در حال توسعه ضعیف عمل کند. گاهی مدل‌هایی که بر پایه انتظارات به تحلیل تورم و بیکاری می‌پردازند مناسب است و گاهی مدل‌هایی که از مولفه‌های کینزی استفاده می‌کنند عملکردی عالی دارد.

خورخه لوئیس بورخس، نویسنده آرژانتینی، یک داستان یک پاراگرافی دارد که شاید بهترین راهنما برای روش‌های علمی باشد. او در این داستان حکایت سرزمین دوردستی را تعریف می‌کند که در آن علم نقشه‌نگاری به گزافه‌کاری‌های مضحکی مبتلا شده است. نقشه یک استان به حدی دقیق و با جزئیات است که به اندازه یک شهر می‌رسد و نقشه کل امپراتوری، فضایی برابر یک استان را اشغال می‌کند.

در این زمان، نقشه‌نگارها چنان بلندپرواز می‌شوند و نقشه خود را با جزئیات دقیق‌تر درست می‌کنند که یک نمونه کپی هم‌اندازه با کل امپراتوری ایجاد می‌شود. همان‌طور که بورخس تعریف می‌کند، نسل‌های بعدی هیچ کاربرد علمی‌ای برای چنین نقشه دست و پاگیری پیدا نمی‌کنند. بنابراین آن نقشه با تمام دانش جغرافیایی که با خود داشت، در بیابان پوسیده می‌شود. نکته‌ای که بورخس بیان می‌کند هنوز گریبانگیر بسیاری از اندیشمندان اجتماعی است: یادگیری نیازمند ساده‌سازی است. بهترین راه برای رویارویی با پیچیدگی زندگی اجتماعی ابداع مدل‌های پیچیده و پیچیده‌تر نیست، بلکه یادگیری شیوه کار مکانیسم‌های نامرتب مختلف، و پس از آن انتخاب مرتبط‌ترین آنها برای یک شرایط به خصوص است.

ما وقتی در حال رانندگی از محل کار به خانه هستیم از یک نقشه استفاده می‌کنیم. همچنین برای عزیمت به شهر دیگر، از نقشه متفاوتی بهره می‌جویم. برای دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی یا استفاده از وسایل نقلیه عمومی به انواع دیگری از نقشه نیازمندیم.

جست‌وجو در میان مدل‌های اقتصادی برای فهمیدن آنکه کدام بهتر عمل می‌کند به‌طور قابل توجهی دشوارتر از انتخاب یک نقشه درست است. اقتصاددانان از انواع مختلفی از روش‌های تجربی رسمی و غیررسمی با توانایی‌های مختلف استفاده می‌کنند. من در کتاب بعدی خودم که با عنوان قوانین اقتصادی (Economic Rules) منتشر می‌شود، از تعالیم اقتصادی متعارف به خاطر تجهیز نکردن دانشجویان به ابزار تجربی مورد نیاز برای تحلیل نظم حاضر انتقاد می‌کنم.

اما انتقادات داخل از مجموعه مبنی بر اینکه نظم حاضر به بیراهه رفته است به خاطر اینکه هنوز اقتصاددانان به اجماع روی مدل‌های درست دست نیافته‌اند، اشتباه است. بگذارید تمامی گستره و تنوع علم اقتصاد را گرامی داریم، عقلانی و رفتاری، کینزی و کلاسیک، بهینه اول (first-best) و بهینه دوم (second-best)، ارتدوکس و هترودوکس. و بیاییم توان خود را صرف دانش انتخاب بهترین چارچوب برای هر زمان کنیم.

اویس مدبر و خانم کوچکی

www.principalaccounting.co.uk

PA PRINCIPAL ACCOUNTING

FROM BASIC BOOKKEEPING TO MORE COMPLEX FINANCIAL NEEDS.

Preparation of Accounts and Relevant Documents for Tier 1 Entrepreneur £200,000 Investment Visa

- Self Assessment Tax Return, Accounts and Income Tax
- Company Accounts and Corporation Tax Return
- VAT, CIS and Payroll
- Company Formation
- Business Plans, Commercial Loans and Mortgages
- Specialist Tax Investigations
- Tax Saving Advice and Tax Planning
- Specialist Accountants for Dentists, IT Gas & Oil Engineers and Sub Contractors

Certified Public Accountants
Time House
56b Crews Road
Golders Green, NW2 2AD

Telephone: 020 8209 1919
Fax: 020 8209 1915
Mobile: 078 5232 8888
ovace@principalaccounting.co.uk

Ovace Modabber FCPA, FMAAT
Licensed & Regulated by AAT

CPA

aat

ظهور اقتصاد آبی

چارلز گدار / دبیر حوزه آسیا - پاسیفیک

اکتشاف معدن در عمق دریا هم نماد اقتصاد جدید اقیانوسی و هم ممنوع است و البته بیانگر نویدی است که در کنار خطرات و نقاط ضعفش «اقتصاد آبی» نامیده می‌شود. نخستین عملیات تجاری حفر معدن تا سال ۲۰۱۸ آغاز نخواهد شد، زمانی که شرکت کانادایی Nautilus Minerals مس را از عمق ۱۶۰۰ متری در بستر دریا و با داشتن حق بهره‌برداری Solwara-۱ از پاپوآ در گینه‌نو شروع می‌کند. با وجود این حفر معدن نماد تنش

جهانی اقیانوس بسیار دشوار است. گروه محیط زیستی WWF در سال ۲۰۱۵ گزارشی در این زمینه منتشر کرد که می‌گوید «تولید ناخالص دریایی» سالانه جهان ۵/۲ تریلیون دلار است.

هنوز هم درباره کالاها و خدمات غیربازاری که اقیانوس در اختیار ما قرار می‌دهد، مانند ارزش حفاظت صخره‌های کف اقیانوس در برابر امواج توفان یا ظرفیت اقیانوس برای حبس دی‌اکسید کربن، دانش اندکی داریم. گروه WWF برآورد می‌کند پایه دارایی اقیانوسی ۲۴ تریلیون دلار باشد. در نخستین «ارزیابی دریایی جهانی» سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۱۵ منتشر شد، نوشته شده است میزان فرسایش این سرمایه طبیعی به دلیل فعالیت بشر و میزان سود بهره‌برداری شده از آن، چه به طور عمومی و چه خصوصی همچنان شکافی عمیق و مانعی برای



بین رشد و محافظه‌گرایی در موضوع دریاست؛ بین نیاز به یافتن مشاغل و منابع جدید به دلیل نبودن فرصت‌های زمینی و در عین حال متوقف کردن روند کاهش سلامت اکوسیستم‌ها در اقیانوس.

صحبت از اقیانوس به عنوان یک حوزه اقتصادی جدید و سخن گفتن از مرحله جدیدی از صنعتی‌سازی دریاهای، در سال ۲۰۱۶ فراگیر می‌شود. اقیانوس از قبل سهم خود را در صنعت پیدا کرده است: کشتیرانی، کابل‌های زیر اقیانوس، نفت و گاز دریا، ماهیگیری، گردشگری و... به استثنای حق ماهیگیری که بهبود ذخایر جهانی در آن به دامنه وسیعی از تغییرات نیاز دارد، از بیشتر دیگر حوزه‌ها انتظار می‌رود در دهه‌های آتی به سرعت، و به موازات افزایش درآمد، مصرف و جمعیت جهان، رشد کنند. طبق برخی برآوردها، مثلاً ماهیگیری می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ تا دو یا سه برابر رشد کند؛ استخراج نفت از دریا می‌تواند از ۴۰ درصد تا تقریباً ۵۰ درصد کل تولید را تشکیل دهد.

آبی نو

به این مورد، مجموعه‌ای از صنایع نوظهور را نیز بیفزایید. کمیته اروپا پنج حوزه رشد را مشخص کرده است: آبزی‌پروری، گردشگری ساحلی، فناوری زیستی دریایی، انرژی اقیانوسی و حفر معدن در بستر دریا. گفته می‌شود این موارد می‌توانند تا سال ۲۰۲۰ معادل ۱۰۶ میلیون شغل جدید ایجاد کنند. چین، آمریکا، هند، اندونزی و کشورهای جزیره‌ای کوچک همگی به فهرست در حال گسترش از کشورهای افزوده می‌شوند که به صنعت اقیانوس به عنوان منبع فرصت رشد و کسب‌وکار روی می‌آورند. این رشد، «آبی» در نظر گرفته می‌شود، که از ایده رشد سبز و اقتصاد سبز گرفته است. در طرح‌های اقتصاد آبی چین بر «توسعه و محافظت پایدار» تاکید می‌شود؛ در دیگر کشورها نیز به طور مشابه رشد اقتصادی با پایداری سلامت فضای اقیانوسی‌شان گره می‌خورد.

با وجود این، نوید رشد آبی کمتر از منحصربه فرد بودن اقتصاد اقیانوس محسوس است، دلیل آن نیز فقدان معیار دقیق سنجش است. تمام کشورها «تولید ناخالص داخلی اقیانوسی» (Ocean GDP) خود را محاسبه نمی‌کنند. مقایسه یافته‌های کشورهایی که آن را اندازه می‌گیرند به دلیل وجود سیستم‌های اندازه‌گیری مختلف و مرز مبهم بین تعریف فعالیت ساحلی و اقیانوسی، پیچیده است. بنابراین برآورد اندازه جریان کالاها و خدمات در اقتصاد

چرا بانک‌های اروپایی حاضر به همکاری با ایران نیستند؟

نویسنده: باربارا اسلاوین

بزرگترین بانک ایران مایل است که بار دیگر پیوندهای خود با بانک های مهم اروپایی را برقرار کند، اما تنها موسسات مالی و چک هستند که مشتاق بازگشت به بازار ایران پس از توافق هسته ای و در دوران رفع تحریم ها هستند.

مصطفی بهشتی، مدیر اجرایی بانک پاسارگاد در حاشیه کنفرانس زوریخ در گفتگو با خبرنگار المانی‌تور عدم تمایل بانک های بزرگ اروپایی به همکاری با ایران را در ارتباط با میلیاردها دلار جریمه ای دانسته است که در دوران پیش از رفع تحریم ها از سوی وزارت دادگستری آمریکا به آنها تحمیل شده بود. وی پیشنهاد داده است

باربارا اسلاوین می‌نویسد: مقامات ایرانی بارها از دریافت ناچیز و کند منافع حاصل از توافق و رفع تحریم‌ها گلایه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین موانع در این مسیر، دشواری دسترسی مجدد ایران به سیستم مالی بین‌المللی است.

که اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا می‌تواند به این بانک‌ها تضمین دهد که همکاری با ایران هیچ گونه منع قانونی ندارد.

مقامات ایرانی بارها از دریافت ناچیز و کند منافع حاصل از توافق و رفع تحریم‌ها گلایه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین موانع در این مسیر، دشواری دسترسی مجدد ایران به سیستم مالی بین‌المللی است.

به گفته بهشتی تحریم‌ها بانک‌های ایرانی را ضعیف کرده و تأمین مالی امور تجاری به ناچار از روش‌های پیچیده دیگر صورت می‌گرفت. سهم بانک پاسارگاد که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، ۱۱ میلیارد از حجم مبادلات تجاری را پوشش می‌داده، در سال‌های تحریم به تنها یک میلیارد دلار رسیده است.



به گفته وی باید به بانک‌ها اجازه داده شود که امور مالی را در دست بگیرند و فعالیت‌های آنها به راحتی قابل رصد و ردیابی است. به گفته این مقام بانک خصوصی پاسارگاد، این بانک در این دوره فعالیت خود را با احتیاز کامل انجام داده و همواره دقت می‌شده است که هیچ یک از طرفین مبادلات مالی در لیست تحریم‌ها قرار نداشته و تبادلات مالی مربوط به اموری نباشد که به هر دلیل ممنوع شده‌اند. به عقیده وی چنین فعالیت‌هایی در بردارنده هیچ ریسک و خطری نیست.

مقامات آمریکایی همچنین از عدم دسترسی مستقیم خود به سیستم مالی آمریکا گلایه کرده و معتقدند که این محرومیت مانع از دسترسی آنها به میلیاردها دلار از درآمدهای نفتی بلوکه شده آنها در بانک‌های آسیایی می‌شود.

به گفته جورج کلینفلد، وکیل و کارشناس امور تحریم، دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه داری آمریکا می‌تواند با صدور مجوزی اجازه استفاده موردی از دلار که باعث مبادله سرمایه از موسسات آمریکایی به ایران نمی‌شود را بدهد.

کلینفلد عدم رغبت بانک‌های بزرگ اروپایی به همکاری با ایران را بیش از آنکه مربوط به ترس از جریمه شدن بدانند، به تحریم‌های آمریکا و منع ورود شهروندان آمریکایی به هرگونه تجارت با ایران مرتبط می‌داند.

در این میان دولت اوپاما مدعی است که به همه تعهدات خود طبق برجام پایبند بوده است. جرت بلانک، هماهنگ کننده ارشد وزارت خارجه آمریکا در امور اجرای برجام نیز معتقد است: «ما در حال حرکت به سمت جلو هستیم. اما آمریکا نمی‌تواند به این بانک‌ها دستور دهد که وارد فعالیت‌هایی شوند که آن را پر ریسک می‌داند.»

طبق برنامه ریزی‌ها اقتصاد ایران باید در سال جاری ۴-۵ درصد رشد داشته باشد. این نرخ رشد، در صورت تحقق بالاترین نرخ رشد اقتصادی منطقه خواهد بود.

بانک‌های ایرانی هم اکنون با مبالغ هنگفتی وام‌های معوقه رو به رو هستند که میراث دولت قبلی جمهوری اسلامی در دوران اوج قیمت نفت است.

به گفته مدیر اجرایی بانک پاسارگاد بازپس گیری این وام‌ها در دستور کار قرار گرفته است و بانک مرکزی نیز از موسسات مالی ایران خواسته است که ۱۳ درصد از سپرده‌های خود را در بانک مرکزی با نرخ بهره ۱ درصد نگاه دارند. این در حالیست که بانک‌ها همچنان موظفند به سپرده‌گذاران خود با نرخ بهره ۲ رقیمی سود پرداخت کنند. اگر چه این مورد بر خلاف میل بانکداران است، اما می‌تواند گامی موثر برای تضمین سلامتی سیستم بانکی ایران در آینده باشد.

منبع: المانی‌تور

راوندی

نامی مطمئن و آشنا در امور ارزی و بازرگانی

خدمات ارزی و بازرگانی

MADOCKS LTD.

HMRC & FCA Registered

Tel: 020 7499 5455

Fax: 0207 493 9797 دفتر لندن

ravandigt@gmail.com

24 Nort Audley Street, London W1K 6WD

مرگ و احیای چه کسانی مهم است چه کسانی نه!

مورین رایان منتقد اصلی بخش تلویزیون و رایتی، در ادامه می‌خوانید به بررسی کشتن و زنده کردن شخصیت‌ها در سریال‌های بزرگ می‌پردازد. این مطلب حاوی اسپویلر است و در آن از سریال‌های روز (و مخصوصاً «بازی تاج و تخت») صحبت می‌شود، پس مواظب باشید!

به نقل از و رایتی، باید به جان اسنو و «بازی تاج و تخت» هم به خاطر پیوستن به جمع تبریک گفت؛ جمعی که سریال «سوپرنچرال» سال‌هاست به آن شکل داده است. دارم به جمع «ما یکی از شخصیت‌های اصلی‌مان را کشتیم، اما نه صبر کنید! او را نکشتیم!» اشاره می‌کنم. این پدیده‌ای است که دارد بیشتر و بیشتر در سریال‌های بزرگ و محبوب دیده می‌شود. وقتی بافی سامرز در سریال «بافی قاتل خون‌آشام‌ها» از مرگ بازگشت، این نوع حرکت‌ها به هیچ وجه شناخته شده نبود. بازگشت از مرگ در سریال‌های مهم روز اتفاق نمی‌افتاد و مثلاً کسی انتظارش را نداشت که خانم لاندلرینگام به عنوان یک زامبی به «بال غربی» بازگردد. نکته اینجاست که چیزی که در گذشته یک حرکت حاشیه‌ای بود، حالا به یکی از رخدادهای عادی تلویزیون تبدیل شده، اما همه نمی‌دانند چطور باید به درستی از شوک انجام چنین کاری استفاده کنند.

اولاً اینکه این کار به هیچ وجه اصیل و اورجینال نیست چون سریال‌های احساسی و لوس آن را در قالب برنامه‌های روزانه‌شان انجام می‌دهند. اما اگر بازگشت به زندگی طوری اجرا شود که مخاطب علاقه بیشتری نسبت به مشکلات و کارهای شخصیت پیدا کند، عالی

می‌شود. بهترین مثال این می‌تواند مرگ شخصیت دین در پایان فصل سوم «سوپرنچرال» و احیای او در فصل چهارم توسط فرشته‌ای به نام کاستیل باشد. اما از سوی دیگر اگر «مرگ» منجر به هرج و مرجی از حدس و

کنیم. چه درباره ژانر وحشت، فراطبیعی و چه درباره ژانر فانتزی یا علمی‌تخیلی صحبت کنیم، شخصاً همیشه سرگرمی مختص ژانر را به عنوان مکانی توصیف می‌کنم که مرگ در آن ضرورتاً به معنی پایان

محدوده کار می‌کند. راستش را بگویم، اگر کسی به شرافت و صحت اخلاقی جان اسنو چاقو نخورده بود عجیب می‌شد. این سریال در بازگرداندن او هم اشتباه نکرد؛ «بازی



تاج و تخت» از پیش مشخص کرده بود که در این دنیای جادویی، زنده شدن هم ممکن است، اما به شدت به این مسئله اشاره شده که دست بردن در مرگ و زندگی اغلب بهای سنگینی دارد. نه، چیزی که در مورد مرگ و احیای جان اسنو من را اذیت می‌کند، این است که این پروسه یک سال طول کشید. مسلماً احیای هیچ شخصیت دیگری باعث ایجاد هیجان و اضطرابی نخواهد شد که ما مجبور بودیم از زمان تماشای چاقو خوردن او تا به حال تحمل کنیم.

در تلاش برای درک بهتر داستان‌سرایی مختص ژانر، بیاید یک شرح وقایع دیگر را تصور کنیم: جان اسنو در اواخر فصل قبل یا اوایل فصل پنجم کشته می‌شود و بعد از چند اپیزود، توسط ملیساندر احیا می‌شود، اما این اتفاق در همان فصل رخ می‌دهد، بنابراین تنها

نیست؛ می‌تواند آغازی برای یک روز خیلی بد باشد. «بازی تاج و تخت» ما را مجبور کرد یک سال درباره سرنوشت جان اسنو حدس و گمان بزنیم که بیشتر به نظر شبیه یک دهه بود. من هفته پیش به شوخی گفتم اگر اپلیکیشنی باشد که نام «جان اسنو» را از تمام حساب‌های رسانه اجتماعی‌ام پاک کند پایش پول خواهم داد، اما خیلی هم شوخی نمی‌کردم. در توضیح باید بگویم که کشتن جان اسنو برای «بازی تاج و تخت» اشتباه نبود؛ این سریال مسلماً سال‌ها پیش کاری کرد بینندگان با این مسئله کنار بیایند که شخصیت‌های خوش‌نیت هم ممکن است به شیوه‌ای بی‌رحمانه و نابهنگام با مرگ روبه‌رو شوند. اپیزود دوم از فصل جدید این سریال یعنی «خانه» هم اپیزودی بود که در آن سگ‌های شکارچی یک نوزاد را خارج از تصویر از هم می‌درند، بنابراین این سریالی است که در همین

گمان رسانه‌ای شود و بیشتر خسته‌کننده باشد، چندان عالی نیست.

راستش خیلی طولانی است که بخواهیم اینجا به آن بپردازیم، اما سریال‌های زیادی این کار را انجام داده‌اند: «سوپرنچرال» تا حدی شخصیت‌های مختلف را کشته که واقعا باید به آن‌ها برگ منگنه داد (در پنجمین بازگشت شما از مرگ، می‌توانید یک لاته مجانی دریافت کنید!). بازگشت از زندگی پس از مرگ چیزی است که می‌توان آن را در همه چیز از «پنی دردفول» گرفته تا «داستان ترسناک آمریکایی» مشاهده کرد. در حقیقت، این حرکت آشنا چیزی است که باعث می‌شود این ژانر از تلویزیون تا این حد اعتیادآور و ضروری باشد؛ به ما اجازه می‌دهد احساسات‌مان درباره مرگ، فقدان و اندوه را درک کنیم، آن هم بدون اینکه ضرورتاً مجبور باشیم یک شخصیت محبوب را از داستان حذف

دردم از یارست و درمان نیز هم دل فدای او شد و جان نیز هم

دوره تفسیر ابیات لسان الغیب حافظ شیرازی

از منظر حکمت، فلسفه، عرفان

و کنفرانس شخصیت و راهکارهای تقویت آن

توسط استاد: محمد حسین متقی

زمان: پنجشنبه ها ساعت ۱۸ تا ۱۹/۳۰

هر دو هفته یکبار

مکان: Imam Khoei Foundation

Chevening Road NW6 6TN - Hall 4

تلفن تماس: ۰۷۴۰۲۰۹۰۹۸۷



10% off any shipments to IRAN via DHL

سرویس اختصاصی DHL برای ارسال مرسولات شما به ایران با 10% تخفیف ویژه

خدمات ما شامل:

- نماینده رسمی شرکت های پستی معتبر دنیا (Royal Mail, UPS, FedEx, DHL) بدون نیاز به داشتن شماره حساب
- سرویس مستقیم های پستی دائمی (کمتر از 60 پست در روز)
- تعویض و نگهداری بسته های پستی شما
- فروش انواع پاکت و جعبه جهت بسته بندی با سایزهای مختلف
- ارائه بیمه مرسولات پستی تا سقف 25000 پوند
- ارائه انواع خدمات چاپی (چاپ گهنگی، کارت ویزیت، بروشور و ...)
- خدمات فتوکپی و پرینت
- تعویض رایگان مرسولات پستی از محل شما










78 Golders Green Road, London NW11 8LN
020 8455 4848 | info@mbegoldersgreen.co.uk



گفتگوی اختصاصی هفته نامه پرشین با "محمد خلخالیان"، بازیگر ایرانی ساکن آلمان

هوشنگ پزشک نیا، دیوانه یا عاشق؟

هفته نامه پرشین - محسن غفاری



با توجه به فعالیت‌های هنری اخیر "محمد خلخالیان"، بازیگر ایرانی ساکن آلمان و نویسنده فیلمنامه زندگی پدربزرگش، هوشنگ پزشک نیا، مصاحبه ای را با وی ترتیب داده ایم که در زیر ملاحظه می کنید.

هفته نامه پرشین: لطفا برای خوانندگان ما کمی از خودتان و شروع فعالیت تان بگویید.

محمد خلخالیان: بنده متولد آبان ۱۳۶۲ در محله دروس تهران هستم. پدر بزرگ مادری ام، هوشنگ پزشک نیا، نقاش سرشناس و معاصر ایران بود. پدرم از خوانندگان قدیم تهران و مادرم نیز نقاش بود. سه خواهر دارم به نامهای سپیده، سحر و سوگل که به ترتیب در حرفه کیت‌رینگ، بازیگری و مستند سازی مشغول فعالیت هستند. من فعالیت هنری را از سن چهارده سالگی شروع کردم و اولین حضورم در شبکه پنج صدا و سیما در سریال "خاطره ها" به کارگردانی داریوش مودبیان، که در آن زمان در همسایگی ما سکونت داشتند، بود. پس از آن، بدلیل صدمه احتمالی که به درسم وارد می شد، مادرم مانع ادامه فعالیت بازیگری ام شد.

هفته نامه پرشین: پس چگونه فعالیت خود را ادامه دادید؟

محمد خلخالیان: بعد از آن، با توجه به دوستی ام با سیامک انصاری، وی از من دعوت کرد تا در سریال "زنگ آخر" کار کنم. پس از آن هم در "عشق و جنون" با ارژنگ امیرفضلی و رامین ناصر نصیر همکاری داشتم.

هفته نامه پرشین: فعالیت تاتری هم در ایران داشتید؟

محمد خلخالیان: بله، من با داریوش مودبیان و آرمند دشت آرابی در کارهایی نظیر دزدان دریایی، کفشهایم کو و هملت کار کردم. ضمن اینکه نقشهای کوچکی هم در کارهای خواهرم داشتم.

هفته نامه پرشین: محمد خلخالیان تحصیلات بازیگری هم دارد؟

محمد خلخالیان: بله، من از هنرجویان موسسه چهره های ماندگار در زمان آقای فریدون جیرانی هستم.

هفته نامه پرشین: شما در کار "سقوط آزاد" علیرضا امینی هم کار کرده اید، برای خوانندگان ما از آن کار بگویید.

محمد خلخالیان: سریال "سقوط آزاد" آخرین کار من در ایران در سال ۱۳۹۱ بود که در کنار حامد بهداد بازی می کردم. یک سریال هشت قسمتی که به دلیل مشکلاتی که در آن کار برای من بوجود آمد، دیدم نسبت به فضای هنری ایران به کلی عوض شد.

چند هفته باید حدس و گمان بزنیم، نه یک سال کامل. و این را هم باید بگویم که من از خود حدس و گمان بدم نمی آید، وقتی قوه تخیل خودم هم تحت تاثیر یک سریال ماجراجویانه و ریسک‌پذیر قرار می‌گیرد، دوست دارم فکر کنم که «اگر» اینطور می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد. اما تمام سر و صدایی که حول محور شخصیت جان اسنو به وجود آمد توخالی بود، چون به سختی می‌شد کسی را پیدا کرد که حقیقتا باور داشته باشد شخصیت او هرگز بازخواهد گشت، بنابراین تمام انکارهای سازندگان و بازیگران سریال در مورد بازگشت او، حرف پوچ بود. بله، سازندگان «بازی تاج و تخت» می‌توانند به یک نکته فنی اشاره کنند؛ آن‌ها در مصاحبه‌ها گفتند جان مرده چون نفس کشیدنش قطع شد و جان باخت. اما این‌ها موشکافی است. چیزی که مرده هرگز نمی‌میرد، اما اگر موقتی باشد مرگ نیست. غیرممکن بود به این نتیجه نرسیم که زنده خواهد شد، مخصوصا با توجه به اینکه کیت هرینگتون و موهای فرفری‌اش در حین فیلمبرداری در بلفاست مشاهده شده بودند. در پایان، همه‌مان مجبور شدیم در نمایشی توخالی بازی کنیم که جان اسنو دیگر به «بازی تاج و تخت» باز نمی‌گردد و بعضی‌های‌مان هم با احترام سعی کردیم وانمود کنیم که حرف‌شان را باور می‌کنیم. در نهایت، صحنه احیای جان اسنو حس شور و هیجان خاصی نداشت. واقعا کسی فکر می‌کرد که «بازی تاج و تخت» دو اپیزود را بیهوده صرف دست نخورده نگه داشتن جنازه او کند؟ کسی واقعا فکر کرد که بدن او را شست‌وشو می‌دهند که آخر بیدار نشود؟ البته که نه. اما اگر ملیساندر این کار را یک یا دو هفته بعد از مرگ او انجام داده بود چه می‌شد؟ اگر مرگ او به جای اینکه به طور بی‌پایانی به تعویق بیفتد، حس طبیعی و غمگین بودن داشت چه می‌شد؟

بهترین لحظه‌های «خانه» حول محور احیای جان اسنو نمی‌چرخیدند و به مجموعه‌ای از کشتارها که حالا به عادت این سریال بدل شده، مربوط نبودند. «بازی تاج و تخت» با تمام نقصان‌هایش، به این خاطر شگفت‌انگیز است که به ما با استفاده از راه‌های جدید و چالش برانگیز، درباره شخصیت‌هایی می‌گوید که با زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند. این دنیایی است که در آن شخصیت‌ها اغلب بین وفاداری‌های متضادشان انتخاب می‌کنند، اما جذاب‌ترین لحظه‌های این فصل مربوط به شخصیت‌هایی است که دارند برای خودشان اتحادهای جدید درست می‌کنند. آن نظم گذشته از هم فرو پاشیده و آن‌ها دارند بر پایه خواسته‌ها، شرایط و نیازهای خودشان، زندگی‌های کاملا جدید می‌سازند.

بسیاری از این مردان و زنان، سفت‌وسخت‌تر، باهوش‌تر و پاک‌تر هستند که ترکیبی جالب است. حتی شخصیت‌های اشراف‌زاده هم دیگر آن اعتماد به نفس گذشته را ندارند؛ استتیس فکر می‌کرد هدفش درست است و حالا مرده. رهبر اسپاروها متقاعد شده که درست می‌گوید، اما یک دیوانه به طور عجیبی خوشخو است. در دنیایی که اطمینان خیلی سخت پیدا می‌شود، چه برسد به اینکه بخواهید به آن چنگ بزنید، جالب‌ترین شخصیت‌های سریال هوشمندتر و خسته‌تر شدند و حاضرند خطرهای مرگبار را به جان بخرند تا در دنیایی زندگی کنند که معنای خاصی برای‌شان ندارد.

سانسا و برین در جنگل درباره گذشته صحبت کردند؛ صورت تیریون بعد از لمس کردن پوست اژدها پر از حیرت شد؛ داووس به ملیساندر گفت ماموریتش در زندگی اشتباه نبوده؛ آریا با تعهد سعی کرد وارد زندگی جدیدش شود؛ این‌ها تمام لحظه‌هایی هستند که باقی می‌مانند، نه آن رخداد قابل پیش‌بینی که همه‌مان از راه رسیدنش را می‌دیدیم. زندگی بررسی‌نشده ارزش ندارد، اما مرگ موشکافی شده هم بیهوده است. پس جان اسنو، خوشحالم که به جمع زندگان برگشتی. اوضاع در وستروس چالش‌برانگیز است. لطفا کاری کن که تمام این اعمال بیهوده ارزشش را داشته باشند. کاری که در زندگی‌ات می‌کنی، بهتر است جالب‌تر از شیوه مرگت باشد.

هفته نامه پرشین: مگر چه مشکلاتی در کار وجود داشت؟

محمد خلخالیان: ببینید اون کار تمام شده ولی چون می پرسید براتون توضیح می دم. خیلی از کارگردان های امروز ایران، به شدت تحت تاثیر بازیگران و ستاره های سینما و تلویزیون می باشند. به طوری که مثلا من در آن سریال، در سکانسی حدود ۱۰ دقیقه دیالوگ داشتم و برای آماده کردن آن کلی زحمت کشیده بودم. روز فیلمبرداری، وقتی پوریا پورسرخ، بازیگر مقابل من آمد تقریبا تمامی دیالوگ من را حذف کرد و به علی امینی گفت که به نظرم اینها لازم نیست در کار باشد. خوب ببینید وقتی کارگردان اینقدر در کار خودش و در مقابل یک بازیگر بی نفوذ است، دیگر شما چه توقعی از آفرینش هنری در آن فضا دارید. حتی من با مواجهه شدن با چنین شرایطی، برای یک مدتی اصلا تصمیم گرفتم همه چیز را کنار گذاشته و به دنبال شغل دیگری بروم.

هفته نامه پرشین: چه چیز باعث شد که به آلمان بروید؟

محمد خلخالیان: ما از کودکی به آلمان رفت و آمد داشتیم و همه اعضای خانواده ام پاسپورت آلمانی دارند. ولی خب اتفاقاتی که این اواخر برایم پیش آمد، منجر به این شد که تصمیم به تغییر سبک زندگی ام بگیرم و به آلمان بیایم و در اینجا مستقر شوم. الان هم حدود دو سال و نیم است که به طور دائم در آلمان هستم و به ایران سفر نکرده ام.

هفته نامه پرشین: فعالیت‌های خودتان را در آلمان چگونه آغاز کردید؟

محمد خلخالیان: در ابتدا، خیلی قضیه سخت بود و به کندی پیش می فت. من با خیلی از شرکت‌های تئاتر مکاتبه کردم و درخواست همکاری کردم، خیلی ها درخواستم را رد کردند و این اواخر، با کمک‌های خیلی خوب خانم "میترا رضوی" که در آلمان قاضی و وکیل هستند و قبول اینکه به عنوان مدیر برنامه ریزی به من کمک کنند، توانستم بالاخره جواب مثبت را از پروفیسور "برگر دینگ" مدیر تئاتر گوته شهر برمه آلمان بگیرم که در حال حاضر، مشغول ایفای نقش در کار "مراقبان" در این تئاتر هستم و علاوه بر آن در کار "سوختگی" هم به عنوان دستیار کارگردان همکاری دارم. ضمنا در کار "مابین گفتارها" نیز به عنوان بازیگر نقش اول در تئاتر "ماکسیم گرکی" شهر برلین به ریاست "شرمین لنگگف" بازی داشتم.

هفته نامه پرشین: شنیده ایم شما فیلم نامه ای هم نوشته اید. اگر امکان دارد برای خوانندگان ما بفرمایید این فیلم نامه راجع به چیست و چه شد که شما تصمیم گرفتید در کنار بازیگری، فیلم نامه نویسی را هم تجربه کنید؟

محمد خلخالیان: فیلم نامه ای که نوشتم راجع به ده سال آخر زندگی پدر بزرگم، "هوشنگ پزشک نیا" هست. ایشان در استانبول ترکیه و پاریس به مدت زیادی زندگی کردند و ۱۰ سال آخر عمرشان را در ایران گذراندند و نهایتا در سال ۱۳۵۱ از دنیا رفتند. کارگردان معروف آلمانی "فاتح اکین" که اصالتا ترک و ساکن آلمان هستند و کارهای بسیاری در هالیوود ساختند، قبول کردند که این فیلم نامه را کار کنند. حرف هایی در مورد پدر بزرگم زده می شود که مثلا ایشان در سالهای آخر عمرش دیوانه شده بود. دلیل آن هم این بود که ایشان مرتب به سفارت انگلیس در ایران نامه می نوشت و احتمالا از دخالت های آنها در امور کشورها شکایت می کرد. هر چند که هیچ کس از متن نامه های ایشان مطلع نیست. از طرفی دیگر، جدایی وی از همسرش که مادر بزرگ بنده بود و ازدواج مجدد وی با دوست صمیمی هوشنگ پزشک نیا، تاثیر عاطفی شدیدی روی پدر بزرگم گذاشته بود. یا مثلا یکی کارهایی که ایشان دوست نداشته انجام بدهد، فروش نقاشی هایشان بود چون عاشق آنها بود. به طوری که برای مثال، حتی پس از فروش یکی از کارهایش به سفارت انگلیس، یک روز مبلغ فروخته شده را به سفارت برده و نقاشی خودش را از روی دیوار بر میدارد. شاید به همین دلایل مردم تصور می کردند که او دیوانه شده بود. در صورتیکه این ادعا اصلا صحت ندارد و من دلم می خواست که با کمک این فیلم، این تصویر را در اذهان عمومی تصحیح کنم و واقعیت را نشان دهم.

هفته نامه پرشین: اگر بخواهید سه تفاوت اصلی فضای هنری ایران و آلمان را بگویید، آنها چه هستند؟

محمد خلخالیان: در درجه اول، اینکه اینجا در هر شغلی که باشید از احترام شغلی برخوردارید. دوم اینکه استانداردهای کاری اینجا به مراتب خیلی بالاتر از ایران است. و نکته آخر اینست که به نظرم کارگردانهای تئاتر ایران از کارگردانهای تئاتری آلمان بهتر هستند.

هفته نامه پرشین: به عنوان سوال آخر، پیشنهاد برای بازیگران دیگر ایرانی که سعی دارند در آلمان یا کشورهای دیگر کار کنند، چیست؟

محمد خلخالیان: اول اینکه زبان آن کشور و فرهنگشان را خوب یاد بگیرند و به آن احترام بگذارند. دوم اینکه در آلمان، فرهنگ معاشرتی مثل مردم ایران نیست. اینجا هر کس سرش به کار خودش هست و معمولا مشکلات شخصی دیگران برایشان مهم نیست. به نظرم ما ایرانیها هم باید در مقابل آلمانیها و یا در کل اروپاییها این فرهنگ گرم گرفتن با همه و اینه خیلی زود با هم مثل فامیل و دوست قدیمی برخورد کنیم را کنار بگذاریم.

ضمن تشکر از محمد خلخالیان عزیز که وقت خودش را به هفته نامه پرشین اختصاص داد، از همه شما خوانندگان گرامی نیز سپاسگزاریم که فرصت گذاشته و این گفتگو را مطالعه نمودید.

به مناسبت چهارصدمین سالگرد ولیدام شکسپیر

چندمین سال کدام سالمرگ؟

فواد نظیری

زمان داور آخرین است. در این عرصه‌ی حضور انسان از سپیده دم تاریخ تا امروز، تا فردا، به هر سرزمین و، هر دوران و، به هر فرهنگ و، هر زبان و نیز بر بستر اختلاط و دادوستد زبان‌ها و سرزمین‌ها و نسل‌ها، اوست که محک آخر را می‌زند و چند و چون حاصل کار را می‌سنجد و از غربال برسختن تاریخ - خود - می‌گذراند و آنچه می‌ماند، بسته به عیارش، شاخصه‌ی می‌شود از کسی و کسانی و سرزمینی و دورانی: «ایمادوری آن‌سوی در نشسته است، / بی‌ردای شوم قاضیان / ذات‌اش درایت و انصاف / هیأت‌اش زمان. - / و خاطرات تا جاودان جاویدان / در گذرگاه ادوار دآوری خواهد شد»^۱

باری، اما در این میان کسی هست و مانده است، که از تبار پیامبران نیست، اما در سیر گذار زمان، بی‌اعتنا به پرده‌های ابهام و غبارهای جعل و شک و تردید، سر و گردنی فراتر و افراخته‌تر از همه‌ی بزرگان در تمامی اعصار، آثار شگفت‌انگیزش، در طیف بسیار وسیعی از زمینه‌های شناخت انسان و دستاوردهایش تا دوران خود، به‌اتکای اندیشه‌ی نبوغ‌آسا و بر محمل دایره‌ی پهناور واژگانی‌اش، بالغ بر ۱۵۰۰۰ واژه^۲، و به تغزلی‌ترین زبان، چنان به کنه و ژرفنای وجود انسان راه می‌برد که آفریده‌هایش کسانی‌اند که دیگر در محدوده‌ی دوران و نمایش‌ها و بازی‌های خود نمی‌مانند، و با همه‌ی خصایص گونه‌گون انسانی یا غیرانسانی خود به رود آینده می‌پیوندند و در وجود آدمیانی دیگر از روزگاران و جوامع و فردهای دیگر، گونه‌گون، بازتاب می‌یابند.

امسال، جهان به بزرگداشت چهارصدمین سالگرد ولیدام شکسپیر کبیر ایستاده است، و مگر چه تفاوت می‌کند میان سده‌ها و هزاره‌ها که او معاصر هر دوران است به هر مکان، تا ابدالآباد، به گواهی بازتاب‌های انسانی و جهانشمول آثارش. و اینک چه نیاز به گفتار بیش در این باب، که اینجا ما این بختیاری را یافته‌ایم که اثر سترگ و تحلیلی «شکسپیر معاصر ما» به قلم یان‌کات بزرگ را با مقدمه مارتین اسلین بزرگ، به ترجمه‌ی گرانسنگ رضا سرور، مترجم و نظریه‌پرداز سنجیده و گرانقدر تئاتر بخوانیم و مثل سایر کارهایش در این زمینه بهره‌برگیریم.

دست‌اش مریزاد!

حکایت زمستانی، در زمهری کارهای او آخر عمر ولیدام شکسپیر است که به سال ۱۶۱۱ نوشته و به اجرا درآمده است. سه پرده‌ی نخست نمایش تراژدی کوپنده و رنج‌باری است، حاصل سوءظن بی‌پایه و حسادت مرگبار شاهی شکاک و خودکامه، و از دید روان‌شناختی امروزی - دوقطبی - که عزیزان



خود را بی‌محابا به ورطه‌ی مرگ می‌افکند. اما در دو پرده‌ی آخر که حوادث به فاصله‌ی شانزده سال از پرده‌های پیشین اتفاق می‌افتد، شکسپیر به سحر قلم تردست خود روند داستان را دگر می‌کند و فضایی می‌آفریند سرشار از طنز و شادمانی و سرودهای شبانی و رقص‌های فولکلوریک، که ضمن آن رمز و رازهای دیگری بر داستان افزوده و گشوده می‌شود تا قصه سرانجام ختم به خیر شود و این اثر در میان آثار شکسپیر در ژانر کمدی جای گیرد. شاعر شگرد چگونگی این تغییر را در آغاز پرده چهارم برعهده‌ی «زمان» می‌گذارد تا هم به بیان ماهیت خویش پردازد، و هم اشارتی بر دگرگونی ماهوی حکایت در ادامه داشته باشد. و تماشاگر حیرت و هیجان‌زده را چه چکمی می‌تواند آن‌چنان طبیعی مجاب کند، مگر که چکم منزل «زمان»؟ و زمان در این مجلس می‌تواند در هیأت پیرمردی به صحنه درآید، با داسی در یک دست و ساعتی شنی در دست دیگر، و احياناً بال‌هایی بر پشت؛ و یا به هیئت همسرایانی، نماد او. در نیمه‌ی این «درآمد» نام پاره‌ای کسان و نیز مکان نمایش در میان می‌آید

که جزئیات آن بماند تا نقل کامل حکایت!

پی‌نوشت‌ها:

۱- احمد شاملو، در آستانه.

۲- معمای شکسپیر، خورخه لوئیس بورخس، ترجمه امید روشن‌ضمیر، نشر نیلا.

حکایت زمستانی

پرده‌ی چهارم - مجلس یکم

درآمد

[زمان وارد می‌شود. در هیئت همسرایان.]

من پسند اندکی [مردم]، آزمایم لیک، جمله [آدم‌ها]. لذت و وحشت، نثار هرکه نیک و بد، کو بسازم یا گشایم راز هر لغزش، - حالیا، نام زمان بر خود نهادم، تا گشایم بال‌های خویش. رسم کژکردار، بر من یا گذار تند من ننهد، چون بلغزم نرم، از برای شانزده سال و، ننگرم بر رشد و رویش، در فراخ دوره‌ی هجران؛ که مرا نیروست، هم در ساعتی ساقط کنم قانون و، هرچه سبت کهنه، هم برآم رسم و راه نو، بدان ساعت. پس بهل تا راه خود گیرم، چون که بودم قبل هر قانون و، یک هستم به هر کردار. شاهد من بر عهدی کان‌همه آداب را بنهاد. نیز خواهم بود، ناظر هر کرد و کار تازه‌ی بر صدر، - کو زند زنگار، بر هر آن رخشنده‌ی حاضر، هم‌چنان افسانه‌ی من، کو نماید کهنه در رخسایش اکنون. صبرتان پیشه، مرا رخصت، تا کنم وارون، ساعت شن، پیش رانم صحنه‌ی قصه، گر شما را خواب با خود بُرد، در میان پرده‌ی بازی. ما، لئونتس را به حال خود رها سازیم، کو اسیر رنج جانشوزش، حاصل آن رشگورزی‌های نابخرد، بدم فرو بسته است. و شما نظاره‌گران پاک‌گوهر، در خیال خود مرا در سرزمین بوهم انگارید. و به یاد آرید اشارت‌ها که پوز شاه را بردم؛ وین زمان من با شما نام ورا خوانم، فلوریزل؛ - و شتابان در میان آرم، صحبت از پردیت، کو فرابالیده و افسون زیبایی‌اش، رشگانگیز. من ندارم عزم آن تا پیش گویم آن‌چه او را روی خواهد داد. لیک بگذارید اخبار زمان در جائی خود دانسته آید، چون برآید بیش. بخت یک چوپان و، هر چیزی که وی را پای در راه است، زین سپس باشد مقال مجلس [پیر] زمان در پیش. ای شمایان! گر پذیرایید کن تا لحظه‌ی اکنون، و وقتان طری گشته بر ناخوش‌ترین احوال، - باری، اما با شما گوید زمان، کو راستیگر آرزومند است، هرگز ناخوش باشد لحظه‌ها تا من بیش!

[بیرون می‌رود.]

جدیدترین کتاب از انتشارات ساتراپ



«من مرده هستم» مجموعه نوشتارهای پراکنده مرده‌طاهری در طول سال‌هایی است که او در ایران و کشور هند زندگی و درس می‌خوانده است.

موضوع‌هایی که نویسنده در این نخستین کتاب خود به آنها می‌پردازد، مانند مفهوم زندگی، عشق، آزادی، خانواده، سرنوشت و طبیعت، در نگاه اول همه آن گرفتاری‌ها و پرسش‌هایی است که هر انسانی در طول عمر خود در روی این کره خاکی روزی با آنها برخورد می‌کند.

نویسنده اما با آغوش باز و اندیشه‌های نیک و مثبت به پیشواز این مشکلات و پرسش‌ها می‌رود و پاسخ آنها را در خود انسان می‌یابد.

اهمیت این روش فکری آنجایی بیشتر می‌شود که بداییم مرده طاهری این کتاب را در ستین نوجوانی و در مقام یک دختر ایرانی متولد پس از انقلاب اسلامی آورده است.

قصه‌های او می‌تواند همه ما را به شناخت بیشتری از آرزوهای نسل جوان ایران و به‌ویژه دخت‌های میهن رهنمون سازد.

ناتر

محل فروش: کتابفروشیها و مراکز فرهنگی ایرانیان در اروپا و آمریکا

Finchley Road London NW11 0AD. Tel: 020-8455-8184
Jahnstraße 24, 50676 Köln. Tel: 221 92 35 707
116 Boulevard Henri Barbusse, 93100 Montreuil. Tel: 724 08440
Box 45095, SE-104 30 Stockholm. Tel: (08)323080
1419 Westwood Blvd, Los Angeles, CA 90024. Tel: 310-477-7477
PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087. Tel: 301-718-8188

لندن: فروشگاه هرمز در گندرز گرین
آلمان: انتشارات و کتابفروشی فروغ - کتن
فرانسه: کتابفروشی نشر ناگجا - پاریس
سوئد: کتابفروشی فردوسی - استکهلم
کالیفرنیا: کتاب کوپ - لس آنجلس
واشنگتن: ایران بوکس - مریلند

خرید اینترنتی از روی سایت آمازون با جستجو برای شماره نیت کتاب (شابک) 978-1-872302-29-4

علاقتمندان به خرید این کتاب و یا دریافت اطلاعات در مورد شرایط انتشار کتاب خود می‌توانند با شماره تلفن و ایمیل زیر با ما تماس بگیرند

Satrap Publishing Ltd. Tel: 0208 748 9397
Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

دارالترجمه ساتراپ

با ۲۵ سال سابقه

ترجمه فوری، با مهر و امضای رسمی

و معتبر برای کلیه مدارک

شناسنامه - انواع گواهینامه تحصیلی

عقد یا طلاق نامه - قراردادهای تجاری

پرسشنامه های دولتی و هر مدرک دیگر

انجام ترجمه همان روز سفارش یا در اسرع وقت

خدمات ترجمه شفاهی

و تخفیف ویژه به هموطنان ایرانی

Certified Translation

Satrap Translation Ltd

Tel: 0208 748 9397 Mobile: 078 157 61 157

Email: satrap@btconnect.com Website: www.satrap.co.uk



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

داستان هفته

۳

چرا آن شب آن قدر مهربان شده بود. برایم یک انگشتر خرید و مرا به بهترین رستوران برد. بعدش هم رفتیم لب کارون. شیش هر چه کرد نگذاشتم بهم دست بزند. اما آنقدر اصرار کرد که راضی شدم. احساس فاحشگی می کردم. اما از دفعه های بعد یواش یواش عادت کردم و خودم را متقاعد کردم که من زنی هستم با دو زندگی که هیچ کدام ربطی به همدیگر ندارد. به سینا گفت باید چندسال صبر کند تا بتوانم طلاق بگیرم. هر روز با هم حرف می زدیم. ماهی یک بار می آمد و از صبح تا ظهر عشقبازی می کردیم و بعد می رفت. روزهایی که قرار بود بیاید کلید یدک خانه را از توی جیب سامان برمی داشتم تا اگر بین روز هوس خانه آمدن کرد پشت در بماند. گاهی سینا دوروز می ماند شب می رفت هتل و فردا باز می آمد. آن جرات از کجا آمده بود. مطمئنم اگر آن روزها امروز بود شهامت انجام دادن یک بارش را هم نداشتیم. شاید آن شهامت از خامی جوانی بود. دو جوان. یکی هجده و دیگری نوزده ساله. سینا قسم میداد که پیش سامان نخوابم. من هم می گفتم چشم. اما مگر می شد؟ از همه مهمتر من زنی بودم با دو زندگی. چرا آن روزها عذاب وجدان نداشتیم؟ گاهی عذاب وجدان گذشته را می گیرم. هر چند سامان شوهر خوبی نبود و او هم بعدها فهمیدم که یک سال بعد از ازدواجمان زیر آبی زدن های عاشقانه اش را شروع کرده. ولی خب شروع کننده من بودم. آرام شده بودم و کمتر بهانه می گرفتم. دو زندگی داشتن وقتی برای بهانه گیری نمی گذارد. اصلا فکر نمی کردم شاید لو بروم و دستم رو بشود. اولین بار خانواده عمو فهمیدند. یک بار از دفتر هواپیمایی تلفن زده بودند خانه و پیغام برای سینا گذاشته بودند که بیاید و بلیط زرروی اهواز را اوکی کند. توی فامیل تنها کسی که اهواز زندگی می کرد من بودم. یلدا تلفن را جواب داده بود. عقل کرده بود و به زن عمو نگفته بود. به من تلفن زد که همه چیز را می داند و بهتر است تا گذشت در نیامده و رسوایی بار نیامده تمامش کنیم. گفت مجازات این کار اگر شوهرم بفهمد سنگسار است... ته دلم ریخت. اما خودم را زدم به آن راه و سر و صدا کردم که شما نقشه تان است که زندگی مرا به هم بزنید. نمی دانستم جریان چیست و از جا فهمیده. از شدت اضطراب و ترس استفراغ کردم. دو ساعت بعد سینا تلفن زد و گفت نترسم. گفت بستن دهان خواهرش با او و من نگران نباشم. گفت تا پای جانش پای من می ایستد و از کسی هم نمیترسد. اما من می ترسیدم و جانم هم برایم خیلی مهم بود و می خواستم با آرامش زندگی کنم. اصلا فکرش را نمی کردم وقتی بردیا یک ساله بود سامان همه چیز را بفهمد و حتا از قرارهای ماهیانه ما خبردار شود. چرا آن همه خطر را به جان خریدم بودم؟ امروز تمام آنها به نظرم مسخره می آیند. با تمام این تفاضیل و به هر جان کنندی بود ما با هم ماندیم تا روز آشنایی او با آنجلا. راستش دو سه سالی که گذشت من هم آرزویم شد زن سینا شدن. هر چه او دست نیافتنی تر می شد من برای او بودم حریص تر می شدم. بعد از فهمیدن یلدا گفتم بیا مدتی دور از هم باشیم یا تمامش کنیم. سرم دادکشید که: « غلط کردی، وقتی شوهر کردی گفتم دیگر رفت و تمام. خودت دوباره هل خوردی توی زندگی و حالا دوباره بروی؟ مگر من مسخره ام یا خر گیرم آوردی. باید تا آخرش بایستی. شهر هرت است که هر وقت خواستی بروی و هر وقت خواستی برگردی. اصلا خودم می آیم پیش شوهرت و همه چیز را بهش می گویم، مرگ یکبار و شیون هم یک بار.»

نبايد می گذاشتم دیوانگی کند. اگر سامان می فهمید به پدر می گفت و بعد... از شوهرم آن قدر وحشت نداشتیم که از پدرم، پس چرا وقتی خودش رفت من هیچ چیز نگفتم؟ او زیادی عاشق بود یا من عاشق نبودم؟

صدایش می لرزد و فریاد می زند:
-بگو که شوخی کردی.
-من شوخی نکردم سینا. راست گفتم. الانم دارم میرم اشکان و ببینم.
-من این همه سال برای تو صبر کردم.
-برای من صبر کردی؟ ها ها ها. احمقانه است. تو رفتی و بخاطر شهروندی آمریکا یک دختر پولدار ارمنی و عاشق خودت کردی. اون بیچاره بخاطر ازدواج با تو و به عشق تو مسلمان شد. میگی صبر کردی؟
-اونا همش صوری بود. خودت می دونی.
صدایم را می برم بالا و فریاد می زنم. و باید فریاد بزنم تا بفهمد زندگی حساب و کتاب دارد. نمی شود هر وقت خواستی سرت را پایین بیندازی و بروی و هر وقت خواستی برگردی.
-غلط کردی. پنج سال کدوم گوری بودی؟ چرا تا آنجلا اومد از زندگی من غیبت زد. من تورو همینجا می خواستم. اینجا کنار خودم. انتخابت آمریکا بود نه من.
-پونه بخاطر سه تایموم بود.
-پای من و بردیا و وسط نکش. بچه من خودش پدر داره.
-تو چرا اینطوری شدی؟
-پنج سال گذشته. همه چی عوض شده. بفهم. تو منو ترک کردی و رفتی.
-من ترکت نکردم.
-کردی. حالا هم میرسم پیش اشکان. باید برم.
-اشکان خر کیه؟
-درست حرف بزن. اشکان عشقمه.
-ببین پونه توی این پنج سال دوست پسر گرفتی. حقت بوده. بی خیال. منم با یه زن دیگه بنا به مصلحت زندگی کردم. حالا جفتمون تمومش کنیم و با هم باشیم. اینو می خوام.
-مهم نیست تو چی می خوای. من اینو نمی خوام. خداحافظ.
و گوشی را قطع می کنم. دوباره زنگ می زند. ریجکت می کنم. اگر اشکان هم توی زندگی ام نبود باز هم قبولش نمی کردم. بعد از رفتنش فهمیدم چرا تمام آن سالها برای او با بودن خودم را به آب و آتش زدم. همیشه دلم می خواست پیش خودم سرم بالا باشد که دارم یک جور دیگر زندگی می کنم. با رابطه با سینا می خواستم خودم را متقاعد کنم که تسلیم ان زندگی نشده ام. اگر از ترس پدرم نمی توانم طلاق بگیرم. می توانم پنهانی کاری کنم که دوست دارم. کار پنهانی جرات می خواهد و من آن روزها از سر خامی خوب جرات داشتم. هفته بعدش آمد اهواز. تا سامان رفت سرکار آمد خانه پیشم. با هم عشقبازی کردیم و او برای اولین بار همخوابگی با زنی را تجربه کرد. دیوانه بود و دیوانه تر شد. ظهر برگشت تهران. از آن به بعد ماهی یک بار صبح می آمد و عصر برمی گشت. روز اول وقتی رفت عصرش که سامان آمد خانه نمی توانستم توی چشمهایش نگاه کنم. گفت بیا برویم گردش. نمی دانم

داستان عشق و مهاجرت

سالهای خاکستری

ماندانا رستگار

قسمت سوم

امتحانات برای زبان فارسی تا سال ۲۰۱۸ ادامه می یابد

به دنبال تصمیم دولت انگلستان به لغو امتحان GCSC و A-Level انجمن مدرسه های فارسی، اقدام به برگزاری پتیشنی برای جلوگیری از این امر نموده و از گویشگران زبان فارسی به امضای آن دعوت به عمل آورده است.

خانم پوری صدیق به نمایندگی از این انجمن، در گفتگویی با پرشین گفت سال گذشته نیز انجمن نامه ای دریافت کرد حاکی از این که امتحان بعضی از زبانهای اقلیت ها، از جمله زبان فارسی، در انگلستان، به دلیل نداشتن بودجه و متحن، لغو خواهد شد.

در این خصوص طی مکاتباتی، انجمن مدرسه های فارسی زبان، متعهد شدند تا منابع مالی و انسانی خود را برای تداوم این امتحانات، به مشارکت بگذارد. متعاقبا، خانم نیکی مرگان، وزیر آموزش انگلستان، توافق کرد تا این امتحانات برای زبان فارسی تا سال ۲۰۱۸ ادامه یابد.

امتحان GCSC و A-level از امتحانات رسمی در انگلستان است و بعضی دانشگاه ها، برای بعضی از رشته ها، این مدرک برای زبان فارسی را، به عنوان مقدمات لازم برای ادامه تحصیل، می پذیرند. متأسفانه امسال مجدداً، تصمیم به لغو این امتحانات برای دو زبان فارسی و هلندی، گرفته شده است و دلیل آن نیز کم بودن تعداد داوطلبان آن ذکر شده است.

خانم صدیق افزود پارسال ارقام شرکت کنندگان در GCSC و A-Level زبان فارسی، خیلی کم بود. در حالی که اولاً گویشگران زبان فارسی فقط ایرانی ها نیستند. از طرفی، افزایش مدرسه های فارسی نیز نشان می دهد که جمعیت فارسی زبانان در انگلستان نیز به حدی هست که از این امکانات آموزشی برخوردار باشند. از خانواده های فارسی زبان انتظار می رود که فرزندان خود را به یادگیری زبان مادری شان و شرکت در این امتحانات رسمی تشویق و ترقیب کنند.

فراگیری زبان مادری به فرزندان، به حفظ هویت، تقویت اعتماد به نفس و موفقیت در آینده آنها اهمیت به سزایی دارد. خصوصاً با افزایش ارتباطات تجاری، گویشگران زبان فارسی از آینده شغلی بهتری نیز برخوردار خواهند بود.

The
Translation
House
Reg no. 7381935

خانه ترجمه (لندن)

ترجمه و ویرایش کلیه مدارک، کتب، مقالات، پایان نامه
ترجمه شفاهی در محل یا تلفنی
(کلیه زبانها منجمله انگلیسی، فارسی، دری، پشتو)
مطمئن، سریع و با هزینه ای عادلانه

آیا برای ترجمه مدارک خود با مشکل مواجه شده اید؟

مدارک خود (صورتحساب بانکی، شکایت نامه، دادخواه، وصیت نامه، گواهی ازدواج و طلاق، گواهی فوت، گواهی انحصار ورثه، دیپلم، ریز نمرات مدرسه و دانشگاه، سند مالکیت، سند خانه و...) را برای ترجمه به ما بسپارید.

"خانه ترجمه" برای تسهیل کار شما مشتریان عزیز از طریق ایمیل،

فاکس و پست خدمات ترجمه ارائه می کند و نیازی به حضور در محل نیست.

دکترمریم تقوی - دارای دکترای ترجمه از دانشگاه سالفورد انگلستان

مراجعه حضوری: 203A Uxbridge Road, W13 9AA

Office hours: 9/30am -2/30pm, Monday to Friday

(All languages inc. Persian, English, Dari, Pashtu)

Mob: 07828-889395 - Tel: 02085679403

ایمیل: info@translation-house.com وب سایت: www.translation-house.net

موسسه حقوقی بین المللی دادآفرینان

پذیرش دعاوی حقوقی، خانوادگی و کیفری در ایران
توسط وکلای مجرب پایه یک دادگستری

پرونده های خانوادگی (مهریه، طلاق، نفقه)،

انحصار وراثت، ثبتی و ملکی و مالیاتی

پرونده های پولی، بانکی، فروش اموال غیر، جعل و غیره

انجام کلیه امور اداری در ایران اعم از :

شهرداری ها، اداره نظام وظیفه، ثبت ازدواج و طلاق،

استعلام خروج از کشور و اداره ثبت احوال

مشاوره و تنظیم قرارداد های بین المللی تجاری

تلفن لندن: 02071935592

ایران: خیابان مطهری روبروی ترکمنستان ساختمان پروشات طبقه ۳ واحد ۱۵

تلفن: 00982186011638

موبایل: 00989122334075

T.F.C شرکت

معاملات ارزی و حواله به ایران

با مدیریت شاهرخ ایزدی
کارشناس ارشد امور بانکی و بازرگانی

با مجوز رسمی از
FCA , HMRC

Tel: 020 8998 5316

Mob: 077 7068 6861

West Africa House, Ashbourne Road
Hanger Lane, London W5 3QP
izadi@tfcltd.net

واقعیت مجازی به کمک علم می آید

واقعیتی که از مجاز سر برآورد

محمدرضا دستورانی

این روزها بسیاری از مردم با واقعیت مجازی (یا Virtual Reality) و به اختصار VR) و هدست‌های مختلفی که شرکت‌های بزرگ برای دستیابی و استفاده از این فناوری ارائه می‌کنند، آشنایی دارند. اغلب محیط‌های واقعیت مجازی، تجربه‌های دیداری است که یا از طریق یک صفحه‌نمایش کامپیوتر یا از طریق دستگاه برجسته‌بینی در دسترس است. واقعیت مجازی عبارت است از روش‌های گوناگون برداشتن مرزهای بین فضای واقعی و فضای مجازی. سال‌هاست محققان با هدف آسان‌کردن زندگی انسان‌ها و ایجاد جذابیت در میان مشغله‌های فراوان کاری و همچنین پدیدآوردن بستری برای فناوری‌ها و ابداعات جدید، به دنبال راهی برای ادغام فضای مجازی و فضای واقعی هستند. واقعیت مجازی یک تکنولوژی و فناوری نوین است که به کاربر امکان می‌دهد با یک محیط شبیه‌سازی رایانه‌ای برهم‌کنش یا تعامل داشته باشد. بیشتر محیط‌های واقعیت مجازی، تجهیزاتی برای برهم‌کنش تصویری انسان با رایانه هستند، اما گروه محدودی نیز حسگرهایی صوتی یا لمسی دارند که از آنها برای تعامل بیشتر با کاربر استفاده می‌کنند. واقعیت مجازی که از آن به‌عنوان محیط چندرسانه‌ای همه‌جانبه هم یاد می‌شود، یک محیط شبیه‌سازی کامپیوتری است که می‌تواند حضور فیزیکی در یک محل و در یک دنیای واقعی یا یک دنیای مجازی را شبیه‌سازی کند. اغلب محیط‌های واقعیت مجازی در درجه‌اول، تجربه‌های دیداری هستند که یک صفحه کامپیوتری یا یک دستگاه برجسته‌بینی، امکان رؤیت را فراهم می‌کند. برخی از شبیه‌سازها، ابزارهای اطلاعات حسی دیگری مانند ابزار تولید صدا هم دارند. دستگاه‌های پیشرفته‌تر، ابزارهای فناوری لمسی هم دارند که از آنها در صنایع پزشکی و بازی‌سازی و نظامی استفاده می‌کنند. محیط‌های شبیه‌سازی‌شده در فناوری واقعیت مجازی ممکن است مانند محیط‌های زندگی واقعی یا کاملاً متفاوت از آن باشند مانند آنچه در محیط‌های بازی دیده می‌شود. درحال‌حاضر به‌وجودآوردن تجربه واقعی با واقعیت مجازی بسیار دشوار است. ازجمله دلایل این دشواری می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود محدودیت‌هایی نظیر پردازش توان، رزولوشن صفحه‌نمایش و پهنای باند و... در هر صورت طرفداران این فناوری امیدوارند در آینده نزدیک، مشکلات مربوط به ارتباطات و پردازش حل شود و بتوان راه‌حل مقرون‌به‌صرفه‌ای برای این فناوری ارائه کرد.

تصویر سه‌بعدی در دید دوچشمی

مبنای همه فناوری‌های واقعیت مجازی، تولید و ارائه تصویرهای سه‌بعدی است. یکی از روش‌های ایجاد تصویر سه‌بعدی در بیننده به‌وسیله دید دوچشمی، برجسته‌بینی نام دارد. در بیشتر روش‌های برجسته‌بینی، دو تصویر معمولی دو‌بعدی را با اندکی تفاوت مقابل چشم راست و چپ قرار می‌دهند. این دو تصویر دو‌بعدی در مغز تلفیق شده و حس دیدن تصویری سه‌بعدی را به بیننده القا می‌کنند. مبنای برجسته‌بینی نشان‌دادن تصاویر متفاوت به چشم چپ و راست است.

آنچه گوگل ایندکس نمی‌کند

وب سیاه

اگر در استفاده روزانه از اینترنت به وب‌سایت‌های مختلفی مانند فیس‌بوک، آمازون و گوگل مراجعه و تصور می‌کنید فضای اینترنت را به خوبی می‌شناسید باید بگوییم که در این خصوص سخت در اشتباهید. در واقع آنچه شما از تجربه وب‌گردی خود در نظر دارید، استفاده از سطح ظاهری یا بیرونی دنیای وب است و حال آنکه از حضور در آنچه به‌عنوان وب پنهان یا وب عمیق شناخته می‌شود بی‌نصیب مانده‌اید. اخیراً کتابی با عنوان «جنايات آینده» نوشته مارک گودمن به رشته تحریر درآمده است. کتابی که در آوریل سال ۲۰۱۵ میلادی با عنوان «رونمایی از وب سیاه» در نشریه Popular Science نیز از آن یاد شد. هدف از انتشار این مطلب، آشنایی کاربران با فضای متفاوت وب عمیق در مقایسه با فضایی از اینترنت است که هر روز پیش روی آنها قرار می‌گیرد. براساس این کتاب وب عمیق یا اینترنت ژرف در واقع فضایی است که در آن اطلاعات آنلاین، با بهره‌گیری از گذرواژه‌ها محافظت می‌شوند، در پشت درهای مستحکم محفوظ مانده یا اینکه در نهایت، به نرم‌افزارهای مخصوص برای دسترسی به این فضا نیاز است. بدنیست بدانید این فضا آنچنان هم

در شکل قدیمی، این کار به وسیله دستگاه برجسته‌بین انجام می‌شد. در شکل امروزی، در سینمای سه‌بعدی این کار توسط عینک سه‌بعدی انجام می‌شود که انواع متفاوتی دارد، مثلاً عینک رنگی یا عینک قطبیده. در روش عینک رنگی، تصویر روی پرده تلفیقی از دو تصویر است و بیننده که عینکی قرمز و آبی به چشم دارد، با هر چشم فقط یکی از این تصاویر را می‌بیند و در نتیجه فیلم را سه‌بعدی تصور می‌کند. البته در سال‌های اخیر، هدست‌هایی با امکانات و تجهیزات پیشرفته نیز به بازار عرضه شده است. تا سال ۲۰۱۴ بیش از ۵۰۰ اپلیکیشن برای سیستم‌عامل اندروید و بیش از ۸۰ اپلیکیشن iOS برای استفاده در هدست‌های واقعیت مجازی تولید و عرضه شده است که می‌توان آنها را از طریق مارکت‌های معتبر خرید و دانلود کرد.



کاربردهای واقعیت مجازی

واقعیت مجازی هم مثل بسیاری از فناوری‌های نوین دیگر از ارتش آمریکا آغاز شد. ایده اصلی این فناوری در سال‌های دهه ۱۹۶۰ در ارتش آمریکا شکل گرفت. از اولین کاربردهای این فناوری می‌توان به ساخت شبیه‌ساز پرواز اشاره کرد. اما امروزه از واقعیت مجازی در موارد بسیاری استفاده می‌شود؛ از فیزیوتراپی و آموزش (در حوزه‌های مختلف نظامی، علمی، پزشکی و...) تا سرگرمی و تفریحات. بیشترین کاربردهای واقعیت مجازی را می‌توان در سه حوزه شبیه‌سازی (شبیه‌سازی به معنای وانمودن، حل‌کردن یا تقلید چیزی است. دنیاهای مجازی، برگردان‌های دنیای واقعی‌اند، مانند شبیه‌سازی پرواز یا رانندگی)، تجسم (تجسم به معنای مجسم‌کردن و قابل مشاهده کردن

محدود نبوده و براساس برخی تخمین‌ها، ۵۰۰ برابر وسیع‌تر از وب ظاهری است که روزانه در آن به جست‌وجو و مشاهده اطلاعات می‌پردازیم.

براساس گزارش منتشر شده توسط Nature، گوگل تنها پردازش و ایندکس حدود ۱۶ درصد از وب سطحی را انجام می‌دهد و البته تمامی محتویات موجود در فضای وب عمیق را بدون پوشش گذاشته است. در واقع هر جست‌وجوی انجام شده به‌واسطه موتورهای جست‌وجو، تنها ۰/۰۳ درصد از اطلاعات آنلاین را پیش روی ما قرار می‌دهد (یک صفحه از هر ۳ هزار صفحه). قسمتی از وب عمیق ممکن است در پایگاه‌های داده‌ای وب‌سایت‌های مختلف وجود داشته باشد و توسط موتورهای جست‌وجو، فهرست هم نشده باشد اما این فضا که از آن با عنوان شبکه سیاه نیز یاد می‌شود شامل ساختارهای زیرزمینی مخفی است که در آن هرکها، گانگسترها و تروریست‌ها فعالیت می‌کنند.

تجارت کثیف در وب عمیق

در این فضا نسخه‌های غیرقانونی داروها در ابعاد وسیعی دادرست می‌شوند. به‌عنوان نمونه، سیلک رود، فروشگاه غیرقانونی زیرزمینی که به تازگی کشف شد تجارت زیرزمینی ۲۰۰ میلیون دلاری را تنها در مدت ۲۸ ماه انجام داده است. ارزش‌های جعلی کشورهای مختلف از یورو، پوند و ین نیز در این فضا به فروش می‌رسند. به‌عنوان مثال، جاعلان در ازای ۶۰۰ دلار، ۲۵۰۰ دلار جعلی آمریکا را با ضمانت اینکه خودکارهای معمولی و دستگاه‌های تست نور ماوراء‌بنفش قدرت شناسایی آن را نداشته باشند به فروش می‌رسانند هر چند قطعاً هنگام استفاده از این پول‌های تقلبی جاعلان برای ضمانت محصول خود دیگر حضور ندارند. گواهینامه، برگه‌های شهروندی، پاسپورت، شناسنامه‌های جعلی،



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

هدف ما
پاسداری از اعتماد شما
در سرتاسر دنیا

SEPARAYEN
MONEY EXCHANGE

خدمات ارزی سپر آیین

مهدی محسنی

MLR : 12613563



FCA: 582008



Mehdi Mohseni

Colton House
Princes Avenue
Finchley Central
London N3 2DB

☎: 02083431875

Fax: 02083431875

Mob: 07988603026

@: separayen.ltd@hotmail.co.uk

تعمیرات انواع ساعت

www.separayen.com

معایب این روش است. ولی آندوسکوپی مجازی کاملا غیرتهاجمی است و آسیبی به بیمار نمی‌رسد و حریم خصوصی‌اش نقض نمی‌شود. ۲- مهم‌ترین کاربرد واقعیت مجازی در پزشکی، استفاده از آن برای آموزش فعال آناتومی و فیزیولوژی به دانشجویان پزشکی است. با استفاده از این روش، دانشجویان می‌توانند در یک محیط شبیه‌سازی شده و سه‌بعدی، بهتر و مؤثرتر یاد بگیرند. ۳- یکی از کاربردهای مهم دیگر واقعیت مجازی در حوزه پزشکی، به روان‌پزشکی مربوط می‌شود. واقعیت مجازی روشی برای درمان اختلالات روانی افراد محسوب می‌شود و یکی از این موارد، درمان بیماری هراس (فوبیا) است. فوبیا ترس شدید از جسم یا وضعیتی خاص است. بیمار با آنکه می‌داند این ترس واقعی نیست، دائما دچار اضطرابی است که زندگی عادی او را

است؛ دنیاهای مجازی که با نشان دادن اطلاعات به صورت تصاویر سه‌بعدی آسان‌تر فهمیده شوند. مثل تجسم‌های مجازی از فعالیت‌های پزشکی، نظامی و آموزشی) و واقع‌گریزی (واقع‌گریزی به معنای تمایل به خلاصی از واقعیت است. دنیاهای مجازی معمولا با تخیل خلق می‌شوند، مانند بازی‌های ماجراجویی) دسته‌بندی کرد. مهم‌ترین کاربرد واقعیت مجازی در حوزه‌های آموزش، تجارت الکترونیکی، پژوهش‌های تجربی، عملی و آزمایشگاهی، فروشگاه‌های مجازی برای استفاده بهتر از تجارت الکترونیکی، دانشگاه‌های مجازی که کلاس‌های درس و آزمایشگاه‌های آن همه مجازی است و دانشجویان آن در نقاط مختلف دنیا هستند، شبیه‌سازی حرکت وسایل نقلیه و آموزش رانندگی و خلبانی، شبیه‌سازی انواع ورزش و...، جراحی از راه دور و کتابخانه



مختل می‌کند. این ترس ممکن است شامل ترس از فضای باز، ارواح، خفگی، خون، ارتفاع، آب یا موارد دیگر باشد. در درمان سنتی، پزشک با صحبت کردن با بیمار، او را در وضعیتی قرار می‌دهد که از آن وحشت دارد. اما در درمان با استفاده از واقعیت مجازی، محیطی که بیمار از آن وحشت دارد، شبیه‌سازی می‌شود و بیمار با علم به این موضوع که این محیط واقعی نیست، با قرار گرفتن در آن سعی می‌کند خود را با آن وفق دهد و ترس خود را از بین ببرد.

کاربرد در علوم و مهندسی: یکی از موارد مهم در مهندسی و صنعت، فرایند ساخت قطعات است. مهندس با استفاده از شبیه‌سازی فرایند ساخت، می‌تواند همه مراحل ساخت را به طور مجازی تجسم کند و از این راه به عیوب احتمالی آن پی ببرد و به رفع آنها اقدام کند.

و مراکز اطلاعاتی است. در ادامه، کاربردهای واقعیت مجازی در دو حوزه پزشکی و مهندسی را با دقت بیشتری بررسی می‌کنیم.

کاربرد در پزشکی: ۱- مصورسازی (Visualization)، آندوسکوپی مجازی، برونوسکوپی و کولونوسکوپی تعدادی از کاربردهای واقعیت مجازی در پزشکی است. در آندوسکوپی کلاسیک، یک دستگاه نوری، وارد اندام خاص بیمار (مانند کولون، معده، روده، سینوس و...) می‌شود تا بتوان آن بخش را به‌دقت معاینه کرد. ایجاد تصویر واضح و روشن از سطح بافت برای تشخیص بیماری از جمله مزیت‌های این روش و امکان ایجاد جراحات در سطح بافت و احتمال دسترسی‌ناداشتن به بخش خاصی از بدن یا نقض شدن حریم خصوصی بیمار، از جمله

موج
Moj Exchange Company

Company Reg: 8718611

MLR: 12726579

سرانی موج
انتقال سریع ارز با بهترین نرخ

با مراجعه به وب سایت ما نرخ های روزانه را
مشاهده نمایید

www.mojexchange.co.uk

020 8209 1159

077 9300 0073

4-4A Accommodation Road, Golders Green London, NW11 8ED

حدمات سایبری از سرویس ابری آمازون سرچشمه می‌گیرند. از سوی دیگر امکان خرید ابزارهای مختلف برای شناسایی حفره‌های امنیتی موجود در برنامه‌های متفاوت نیز وجود دارد. امکان استخدام هرکدام خیره نیز در این فضا امکان‌پذیر است. به‌عنوان مثال گروه چینی Hidden Lynx چیزی در حدود ۱۰۰ سارق سایبری را در اختیار دارد که برخی از آنها به سیستم‌های شرکت‌هایی مانند گوگل، ادوبی و لاک هید مارتین هم دستبرد زده‌اند.

رد گم کردن در فضای تاریک وب

استفاده از Tor در میان چندین و چند راهکار نرم‌افزاری برای ورود به فضای تاریک قرار دارد. این مرورگر، سیگنال‌ها را در میان چیزی حدود ۶ هزار سرور، سردرگم می‌کند تا درخواست اصلی کاربر برای بازدید از یک وب‌سایت، مخفی شود. این نرم‌افزار امکان بازدید از صفحات مخفی با پسوند .onion (به‌جای .com) که تنها از طریق این مرورگر امکان بازدید از آنها وجود دارد را نیز فراهم می‌کند. در اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی، یکی از نفوذگران حرفه‌ای، Grams را به‌عنوان اولین موتور جست‌وجوی شبکه سیاه وب، توسعه داد. این موتور جست‌وجو این امکان را فراهم می‌کرد تا مجرمان به دنبال خرید دارو، اسلحه یا حتی حساب‌های بانکی سرعت شده در میان سایت‌های مخفی جست‌وجو کنند. این موتور جست‌وجو حتی به گزینه «I'm Feeling Lucky» و سیستم تبلیغاتی نظیر آنچه در مرورگرهای قانونی مانند گوگل مشاهده می‌کنیم نیز تجهیز شده بود. مراجع دیجیتالی (ویکی‌ها) ویژه خلافکاران نیز سایت‌های مخفی را بر اساس دسته‌بندی‌هایی نظیر سایت‌های ویژه هک، خرید و فروش، ویروس‌ها و داروها پیش روی افراد قرار می‌دهند.

مدارک دانشگاهی و مستندات مهاجرت نیز از جمله اوراق هویتی و اداری هستند که در این بازار سیاه مکاره به فروش می‌رسند. در این بازار، قیمت گواهینامه رانندگی آمریکا، چیزی در حدود ۲۰۰ دلار بوده اما خرید پاسپورت آمریکا یا بریتانیا چند هزار دلار خرج در بر دارد. البته مشخص نیست واقعا این گذرنامه‌های جعلی در دنیای دیجیتالی امروز که اثر انگشت و دیگر موارد تشخیص هویت وجود دارد عملا چه کاربردی دارد. در این بازار سیاه موجود فروش اعضای بدن نیز به چشم می‌خورد. در این فضا، قیمت کلیه ۲۰۰ هزار دلار، قیمت قلب ۱۲۰ هزار دلار و کبد ۱۵۰ هزار دلار عنوان شده است. یک جفت چشم نیز ۱۵۰۰ دلار قیمت دارد.

فعالیت‌های زیرپوستی در وب سیاه

علاوه بر خرید و فروش‌های غیرقانونی در فضای وب سیاه، فعالیت‌های مخفی نیز در این فضا انجام می‌گیرد که بدون شک، تأثیرات خود را در فضای وب معمولی نیز به جا خواهد گذاشت. به‌عنوان مثال، در قالب استفاده از ارزهای رایج اینترنتی مانند بیت‌کوین یا دارک‌کوین و البته سیستم پرداختی که از آن با عنوان Liberty Reserve یاد می‌شود راهکاری غیرقانونی و ویژه برای پرداخت وجه، بدون استفاده از اسامی و مشخصات واقعی ایجاد شده است. این در حالی است که برخی وب‌هاست‌ها در کشورهایمانند روسیه و اوکراین، کاربران را به ارائه مشخصات واقعی هویتی مجبور نکرده و امکان پرداخت به‌صورت ناشناس و از طریق بیت‌کوین را فراهم می‌کنند. این سرویس‌دهنده‌ها حتی به راحتی هشدارهای مقامات دولتی را نیز نادیده می‌گیرند. نفوذگران در این راه از سرویس‌های قانونی ابری نیز بهره می‌برند. جدیدترین تحقیقات انجام شده حکایت از آن دارد که ۶۶ درصد از کانال‌های توزیع بدافزارها و

چند ساعت در هفته کار می کنید؟

شما چند ساعت در هفته کار می کنید؟ هیچ وقت حساب کرده اید که نسبت ساعات کاریتان به ساعات زندگی و استراحت چقدر است؟ به توازن میان ساعات کار و ساعات زندگی فکر کرده اید؟

در دنیا سازمان ها و معیارهایی برای محاسبه ساعات کاری در هفته و ماه و حتی سال و در طول سال های زندگی وجود دارد. آنها نه تنها ساعات کار را محاسبه می کنند بلکه نسبت آن را با ساعات زندگی، تفریح و استراحت هم می سنجند و بعد نتیجه می گیرند که آیا زندگی شما متوازن است یا نه؟ کدام کشورها بیشتر کار می کنند و کدام کشورها کمتر؟

در آمریکا موضوع ساعات کاری و حواشی آن این روزها خبرساز شده و موضوع تغییرات و اصلاحات قوانین قرار گرفته است. دولت باراک اوباما به دنبال ایجاد تغییراتی در زمینه مرخصی استعلاجی و ساعات کاری و حداقل دستمزد کارگران است. به همین خاطر اخیراً کاخ سفید گزارشی را منتشر کرده با عنوان «نکاتی درباره خانواده و کار در آمریکا که نمی دانستید». در این گزارش معلوم شده که ۴۶ درصد از افراد شاغل در آمریکا معتقدند که تقاضاها و موقعیت شغلی شان با زندگی خانوادگی شان در تداخل است و در زندگی شان اختلال ایجاد کرده است. در انگلیس هم وضعیت به همین صورت است. بنیادی به نام بنیاد بررسی سلامت روان در انگلیس در مطالعات خود به این نتیجه رسیده که یک سوم افراد شاغل در این کشور از ساعات کاری شان راضی نیستند و بیش از ۴۰ درصد معتقدند که با این میزان ساعات کاری، دیگر جنبه های زندگی شان به خاطر کار مورد غفلت قرار گرفته شده است. نکته جالب این است که از نظر ساعات کاری در سال، انگلیس پایین تر از متوسط جهانی قرار دارد. آمریکا اما بالاتر از متوسط جهانی از این نظر است. هر دوی این کشورها با وضعیت ساعات کار طولانی در مکزیک، یونان و شیلی فاصله دارند.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی شاخصی به نام شاخص زندگی بهتر دارد و هر سال بر اساس این شاخص، میزان تناسب ساعات کاری و زندگی در

کشورهای مختلف عضو این سازمان را می سنجد و گزارشی در این باره منتشر می کند. هدف از انتشار این گزارش، جلب توجه دولت ها است به وضعیت زندگی و کار مردم برای افزایش بهره وری و بهبود کیفیت کار و

در سال، کمترین میزان ساعات کاری را دارد. بعد از آن آلمان با ۱۳۹۷ ساعت کار در سال در رتبه بعدی و نروژ با ۱۴۲۰ ساعت کار در رتبه بعدی است. در کانادا شمار افراد شاغلی که ۵۰ ساعت در هفته یا



زندگی. گزارش این سازمان نشان می دهد که ترکیه تنها کشور در میان اعضای این سازمان است که بیشترین تعداد افراد شاغل با بالاترین ساعات کاری را دارد. ۴۱ درصد از شاغلان در ترکیه ۵۰ ساعت در هفته یا حتی بیشتر از این میزان کار می کنند. بعد از ترکیه مکزیک قرار دارد که ۲۹ درصد از جمعیت شاغل آن بیشترین ساعات کاری هفته را دارند. در میان ۲۰ کشور عضو این سازمان، یک کارگر یا کارمند تمام وقت به طور متوسط ۶۲ درصد از وقت روز خود یعنی حدوداً ۱۵ ساعت در روز را صرف مراقبت شخصی می کند مثل غذا خوردن، خوابیدن و یا تفریح. در فهرست کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، هلند با ۱۳۸۱ ساعت کار

بیشتر کار می کنند، تنها ۴ درصد است. این رقم کمتر از میزان متوسط تعریف شده در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است که ۱۳ درصد است. در کانادا کارمندان و کارگرانی که کار تمام وقت دارند، ۵۹ درصد از وقت خود را در روز یعنی ۱۴/۳ ساعت در روز را به مسائل شخصی و تفریح اختصاص می دهند. متوسط ساعاتی که کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی برای سرگرمی و تفریح و امور شخصی در نظر گرفته ۱۵ ساعت در روز است، به این ترتیب کانادا از این نظر پایین تر از حد متوسط سازمان توسعه و همکاری است.

در کانادا یکی از تدابیری که به تازگی برای بهبود

آخر هفته ها کار می کنند به ۲۵ درصد افزایش یافته است. باب جونز Bob Jones مدیر برنامه یک شرکت توزیعی در شیکاگو می گوید «من هر آخر هفته کار می کنم». جونز دو یا سه ساعت در آخر هفته ها کار می کند، به ایمیل های جواب می دهد و افکارش را از هفته قبل جمع بندی می کند. حدود یک بار در ماه او تمام آخر هفته را به کار مشغول می شود. او این کار را در خانه یا کافی شاپ انجام می دهد، اما می گوید که شماری از همکارانش به اداره می روند. به گفته جونز «همه آنها در دهه ۴۰ زندگی یا بالاتر از آن هستند. از نظر آنها، اگر نیاز به انجام کار دارید، باید به اداره بروید.»

کاترین، یک تولیدکننده عکس و ویدئو در مرکز تبلیغاتی نیویورک می گوید که او آخر هفته ها کار می کند، چون همه این کار را می کنند. زمانی که او سر لپ تاپش نیست، ایمیل ها را در تلفن همراهش چک می کند. او می گوید «شاید خیلی ضروری نباشد اما دوست دارم آن را انجام دهم. به علاوه، به نظر می آید یک فرهنگ در محل کارم دارم که هر کسی در آن تلاش می کند تا آخرین فردی باشد که همچنان در حال کار کردن است.»

ممکن است خود را سختکوش بدانید اما تشخیص اینکه چه زمانی در حال کار کردن هستید و چه زمانی نیستید دشوار است. اگر در خانه به ایمیل ها جواب می دهید، این به حساب نمی آید؟ اگر یک وکیل بودید، این یک ساعت قابل پرداخت خواهد بود؟

میسون کری Mason Currey کسی که وبلاگ دیلی روتینز Daily Routines را راه اندازی کرده است یک متخصص در جداول کاری افراد است. او می تواند به

وضعیت کار و ایجاد توازن ساعات کاری و زندگی اتخاذ شده، ایجاد مهدکودک های ۲۴ ساعته است. این مهدکودک های تمام روز، مخصوص کودکان ۴ و ۵ ساله است و از سال ۲۰۱۰ و از انتاریوی کانادا شروع به کار کردند. قرار است تا پایان سال جاری میلادی، این مهدکودک ها در سراسر کانادا برقرار شوند. ساعات کار مدارس و مهدکودک ها در کانادا ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر است اما مهدکودک های تمام وقت خدماتی را برای کودکان، قبل و بعد از این ساعات ارائه می کنند. این خدمات گاه به صورت حضوری است و گاه از طریق وبسایت و از راه دور. این مهدکودک ها طوری برنامه ریزی می کنند که کودکان برای کل روز برنامه داشته باشند.

در کره جنوبی جایی که مردم در طول سال بیش از دو هزار ساعت کار می کنند (یعنی حدود ۵۰ ساعت در هفته) و در رتبه پرکارترین کشورها قرار دارد، به تازگی ایجاد توازن میان کار و زندگی مورد توجه دولت و کارشناسان قرار گرفته است. میزان بالای خودکشی و همچنین نرخ پایین زاد و ولد و کاهش جمعیت، دلیل این توجه است. در کره جنوبی متوسط باروری و زاد و ولد در زنان برای هر زن حدود ۱/۳ فرزند است و از این نظر در میان کشورهای سازمان توسعه و همکاری، جزو پایین ترین ارقام است. البته میزان اشتغال زنان در کره جنوبی هم پایین است اما میزان ازدواج و فرزندآوری در این کشور هم بسیار کم است. یکی از تدابیر دولت برای مقابله با این وضعیت، افزایش پرداخت ها و مزایای خانواده به ویژه هزینه نگهداری کودک است. در سوئد جایی که ساعت کاری به نسبت کشورهای دیگر پایین تر است و حدود ۱۶۲۱ ساعت در سال برآورد شده، تنها یک درصد از جمعیت شاغل، ساعات طولانی در هفته کار می کنند. این میزان پایین ترین حد در میان کشورهای توسعه و همکاری اقتصادی است. دولت سوئد برای ایجاد توازن بیشتر در ساعات کاری و زندگی مردم، اپلیکشنی راه اندازی کرده برای استفاده بهتر و آنلاین والدین از مزایای دولت در زمینه نگهداری از کودکان و مزایای دیگر. نام این اپلیکشن My Pages است. این اپلیکشن حدود یک و نیم میلیون نفر کاربر دارد که به جای پرکردن فرم های مرخصی زایمان و دریافت مزایای نگهداری از فرزند و فرزندداری، به صورت آنلاین با این اپلیکشن کار می کنند.

می بریم. به نظرمان این کار بهره وری بالایی دارد. اما پژوهش ها نشان می دهد که اغلب افراط می کنیم و این کار بیش از آنچه فکر می کنیم برای ما هزینه دارد.

اگر کار کردن در آخر هفته با محدودیت همراه باشد، شاید چندان اشکالی نداشته باشد. برای بسیاری از افراد، کار کردن در آخر هفته ها کلیدی برای ساختن کار و زندگی کاری با یکدیگر است. یک از دلایلی که بسیاری از ما آخر هفته ها کار می کنیم این است که این احساس سودمند بودن برای ما خوشایند است. در پژوهشی مشتمل بر ۵۰۰ فرد بیان شد که بهره ور بودن بیش از هر شرایط دیگری به آنها احساس رضایت و خوشحالی می دهد.

چرا زمانی که نیاز داریم استراحت کنیم، کار می کنیم؛ اغلب تمایل داریم که کار کردن را مقدم بر فراغت قرار دهیم و بیش از نیازمان پول به دست آوریم. اشتیاق ما برای کارمان و لذتی که از احساس بهره ور بودن به دست می آوریم ممکن است علت این را که چرا اغلب آخر هفته ها کار می کنیم بیان کند اما هنوز نیاز داریم که مطمئن شویم که زمانمان برای استراحت کافی است.

پس زمانی که کار می کنید، اطمینان یابید که واقعا کار می کنید؛ و زمانی که استراحت می کنید اطمینان یابید که واقعا استراحت کرده اید.

افراد موفق ارزش زمان را می دانند و از میزان کافی اوقات فراغت نیز آگاهند. بهتر است در ساعات و روزهای آخر هفته، خود را برای یک هفته نو آماده کنید تا بتوانید به موفقیت هایی که انتظار دارید برسید.

شما بگویید که بنجامین فرانکلین ۸ ساعت در روز کار می کرده در حالی که بالزاک (نویسنده نامدار فرانسوی و پیشوای مکتب رئالیسم اجتماعی در ادبیات) واقعا معتاد به کار بود؛ او ۱۵ ساعت در روز کار می کرد. کری می گوید «بسیاری از افراد خلاق عادات کاری بسیار منظم دارند. بخش بزرگی از روز را به کار مشغولند، که شامل آخر هفته ها هم می شود.» اما زمانی که کارشان تمام می شود، کارهای زیبایی هنری خلق می کنند که سال ها بعد از آنها پایدار می مانند.

برای افرادی که دارای فرزند هستند، یافتن یک توازن درست بین کار و زندگی به نظر ناممکن می آید. زنان هنوز اولین پرستاران کودکان هستند اما بیشتر از قبل کار می کنند. زنان هنوز ساعات کوتاه تری نسبت به مردان به کار مشغولند، اما اکنون این شکاف روزانه فقط ۴۱ دقیقه است؛ اضافه بر اینکه یک سوم آنها آخر هفته ها کار می کنند. زمانی که والدین به یک اندازه کار کنند، بزرگ کردن یک کودک نیاز به مصالحه و برنامه ریزی پیشرفته دارد.

پس اگر شما هم مثل ما هستید و آخر هفته ها اغلب خود را در حال کار کردن می یابید. از طرف همسر، دوست یا همکاران مورد انتقاد قرار می گیرید؛ آنها تصور می کنند اساساً کار کردن در پایان هفته اشتباه است. آیا آنها درست می گویند؟

به نظر انتقادات آنها تا حدودی درست است ما به دنبال داده های تجربی برای کمک به درک این پدیده هستیم. آنچه دریافتیم این است که بسیاری از ما به یک دلیل ساده آخر هفته ها کار می کنیم و آن این است که از این کار لذت

چرا آخر هفته ها کار می کنیم؟

برای بسیاری از ما بیشتر آنچه در زندگی انجام داده ایم - فارغ التحصیلی از دانشگاه، فارغ التحصیلی از مدرسه، تسویه بدهی دانشگاه و مدرسه - همه می تواند به یک چیز نسبت داده شود:

اینکه تا چیزی را به طور کامل انجام ندهیم، آرام و قرار نداریم. شاید طی هفته، این احساس «باید بیشتر کار می کردیم» معتدل شود. اما آخر هفته ها با خودمان درستیزیم. نیمی از وجودمان می خواهد کارهای هفته بعد را شروع کند، گرچه نیمی دیگر واقعا می خواهد که استراحت کند. مهم نیست که کدام را انتخاب می کنیم، زمانی که باید کار دیگری را انجام دهیم به احساساتمان خاتمه می دهیم.

کار دیگر محدود به اداره نیست. اکنون دیگر در خانه، در مسافرت و حتی در تعطیلات نیز با کار درگیریم. جدا کردن مسائل کاری از زندگی شخصی روز به روز برایمان سخت و سخت تر می شود. برای بسیاری از مردم هر دوی اینها یکی شده است. طبق پژوهشی که یک موسسه تحقیقاتی در آمریکا انجام داده است گرچه متوسط ساعات کاری تمام وقت کارمندان در سال های اخیر ثابت باقی مانده (۴/۸ ساعت) اما نسبت افرادی که



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

مشاغل

چگونه ایده خود را به پول تبدیل کنیم؟

اوایل کارم، برای فروش تلفن می‌کردم. قرار کاری تعیین می‌کردم و به مکان‌هایی مسافرت می‌کردم که می‌خواستم دیگران را در آنجا تحت تاثیر قرار دهم. در نهایت دریافتم که در بیشتر مواقع این رفت‌وآمدها باعث اتلاف پول و زمانم می‌شوند.

تصمیم‌گیرنده‌های نهایی سازمان، هیچ‌گاه در این ملاقات‌ها حضور نداشتند و هنگامی که حرف‌هایم برای متقاعد کردن آنها به پایان می‌رسید، باید سریع محل را ترک می‌کردم، بدون توجه به اینکه چقدر سخنرانی من خوب بود. در مراجعه حضوری مدیریت زمان دست شما نیست و نمی‌توانید افراد را درحالی‌که بیشتر می‌خواهند درباره کار شما بدانند رها کنید، مخصوصاً اگر تنها گزینه باشید.

اما استراتژی بهتری وجود دارد. اگر شما خودتان نمی‌توانید عملیات فروش را انجام دهید، ترسی نداشته باشید: برگه تبلیغاتی، کار را برایتان انجام می‌دهد. دیگر نگران این نخواهید بود که همیشه در دسترس باشید چون یک برگه تبلیغاتی خوب هر بار یک پیام بی‌نقص به مشتریان شما می‌فرستد. به این ترتیب دیگر بدون اینکه نیازی به حضورتان باشد، ایده‌هایتان را می‌فروشد.

شاید اینجا شما از خودتان بپرسید که برگه تبلیغاتی چیست؟

برگه تبلیغاتی اساساً یک تبلیغ برای ایده شماست. کوتاه، خواندنی و رک و راست است. چیزی مثل یک بلیورد تبلیغاتی است. وقتی شما با سرعت ۹۰ کیلومتر

بر ساعت در بزرگراهی در حرکت هستید و نوشته‌ای را روی بلیوردی می‌بینید زمان کافی برای پردازش اطلاعات ندارید، برگه‌های تبلیغاتی نیز منظور شما را به همین راحتی و سرعت منتقل می‌کنند. آنها در یک برگ تهیه می‌شوند و با برجسته کردن کالا و شعار شما نظر مخاطبان را جلب می‌کنند. این نوع از تبلیغات

بیانیه یک خطی شما احساسی و نیرومند باشد: چگونه محصول و ایده شما به دیگران سود می‌رساند؟ چگونه زندگی‌ها را بهبود می‌بخشد؟

در دنیای امروز مردم اطلاعات بیشتر و بهتری راجع به محصولی که استفاده می‌کنند می‌خواهند، اما این اطلاعات باید در یک پیام ساده و کوتاه سریع به آنها



منتقل شود.

سپس یک پیام که ویژگی محصول شما را القا می‌کند، تهیه کنید. باید نیازی که محصول شما آن را برآورده می‌کند، عنوان کند و راه حل را نشان دهد. پیام می‌تواند یک قبل و بعد ساده را عنوان کند. می‌توانید از تصویر کسی که از ایده شما بهره می‌برد استفاده کنید. شاید بخواهید ابعاد دیگری هم بیفزایید برای مثال:

«ایده من سرگرم کننده و تعاملی است و به راحتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

عمدتاً به خاطر خصوصیتی که دارند فراگیر شده و مورد اقبال عمومی قرار گرفته‌اند. آنها ساده هستند، تک تصویره هستند، دارای شعار جذاب یک یا دو کلمه‌ای هستند.

البته به‌رغم اینکه آنها ساده هستند، طراحی یک برگه تبلیغاتی خوب زمان می‌برد. در بیشتر موارد، سادگی بهتر است. بیانیه یک خطی به نفع شما - عبارت کوتاهی که علت اهمیت محصول شما را برای مشتریان توضیح می‌دهد - باید در اولویت باشد. به یاد داشته باشید که

اطلاعات تماس خود را اضافه کنید. اینجا همچنین مکان خوبی برای نصب لوگوی شرکتتان یا نام محصولتان است. ولی زیاد بزرگش نکنید.

چون یک برگه تبلیغاتی خوب بسیار با ارزش است، پیشنهاد می‌کنم که یک طراح گرافیک حرفه‌ای استخدام کنید تا کمکتان کند که این برگه تبلیغاتی را به بهترین شکل طراحی کنید.

برای گرفتن عکس‌های باکیفیت از محصولتان از عکاس حرفه‌ای کمک بگیرید و یک طراح صنعتی که مدل سه‌بعدی آن را در کامپیوتر ترسیم کند، در نظر داشته باشید. در آخر مثل همیشه قرارداد عدم افشا ایده خود را در اختیار کسانی که با آنها کار می‌کنید قرار دهید تا آن را امضا کنند.

درست کردن یک ویدئوی آنلاین کوتاه برای تبلیغ محصولتان نیز می‌تواند دستاوردی بزرگ باشد. دوباره تاکید می‌شود، سعی کنید کوتاه باشد - کمتر از یک دقیقه - و همچنین ساده. یعنی موسیقی نداشته باشد.

اگر یک عکس ارزش هزاران کلمه را دارد پس یک ویدئو ارزش میلیون‌ها کلمه را در بر دارد. می‌توانید ویدئوی خود را مستقیماً به برگه تبلیغاتی خود منتقل کنید.

یک نکته نهایی: برگه‌های تبلیغاتی خود را قبل از ارسال حتماً امتحان کنید. سعی کنید آن را به برخی از آشنایان نشان دهید و بررسی کنید که آیا آنها متوجه محصول شما می‌شوند؟ چقدر طول می‌کشد تا آن را درک کنند؟ اگر زیادی سوال کردند، به آغاز کار توجه کنید. فراموش نکنید، برگه تبلیغاتی شما باید کاملاً واضح باشد.

همین که تلاش خود را برای ایجاد یک برگه تبلیغاتی موفق بکنید، نتایج سودمند آن را برای مدتی طولانی دریافت خواهید کرد. برگه تبلیغاتی شما کار برانگیختن بقیه را برایتان انجام خواهد داد.

منصور شاهرخ

عضو رسمی حسابداران خبره انگلستان

Mansour Shahrokh | BA(Hons), FCCA
Chartered Certified Accountant & Business Adviser

منصور شاهرخ، عضو رسمی انجمن حسابداران خبره انگلستان، از شما دعوت می‌نماید تا با مراجعه به سایت www.knightchadwick.co.uk از خدماتی که توسط ایشان ارائه می‌گردد آشنا شوید. آقای شاهرخ با سالها تجربه موفق در هدایت صحیح کارآفرینان، بازرگانان و نیز متخصصان تلاش نموده است تا سطح آشنایی صاحبین مشاغل مختلف را نسبت به کلیه امور حسابداری و مالیاتی افزایش داده و آنها را در مسیر رشد تجاری هدایت نماید. تهیه انواع طرح های تجاری، مشاوره بازاریابی و نیز تنظیم اسناد مالی جهت تمدید روادیدهای کارآفرینی از دیگر خدمات تخصصی می باشد که توسط این مجموعه ارائه می گردند.



@KnightChadwick
the needs of our clients come first!

ACCA

We are proud members of the Association of Chartered Certified Accountants, the global body for professional accountants



Unit 1A Woodstock Studios, 36 Woodstock Grove, London W12 8LE
Tel 020 7096 1822 Fax 020 7993 6258 Mob 07956 444 000
Website www.knightchadwick.co.uk Email enquiries@knightchadwick.co.uk





چهار پیشنهاد برای تعادل بین کار و زندگی

آیا شما به کار کردن اعتیاد دارید؟

آیا شما بیشتر از ۵۰ ساعت در هفته کار می‌کنید؟ آیا این میزان کار برای شغل شما ضروری است یا انتخاب شخصی شماست؟ آیا شما نیاز دارید که به صورت دائمی مشغول به انجام کار باشید؟ آیا شما به سختی می‌توانید اوقاتتان را صرف استراحت یا تفریح کنید؟

آیا شما کمال‌گرا هستید؟ آیا شما از ترجیح دادن هر امری بر کار ناتوان هستید؟ آیا لیست کارهایی که باید انجام دهید به قدری طولانی است که هیچ وقتی برای گذراندن اوقات عاطفی با نزدیکانتان ندارید؟ آیا همسرتان یا بچه‌هایتان درخصوص اینکه شما هرگز وقت خالی ندارید شکایت می‌کنند؟ آیا مرتب درگفت‌وگوهایتان با دیگران وقایع شخصی را فراموش می‌کنید زیرا حافظه‌تان توسط برنامه‌ها و کارهایتان بیش از حد اشباع شده است؟ اگر پاسختان به چند مورد از سوالات بالا آری است،

شاید شما یک معتاد به‌کار هستید. اعتیاد به‌کار یک نوع بیماری است و شما نباید آن را با عادات غلط یا نوعی روش زندگی اشتباه بگیرید. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که این بیماری تا حد زیادی نیز موروثی است. وقتی که والدین شما به‌کار کردن اعتیاد دارند احتمال اینکه شما نیز این‌گونه باشید بیشتر است. معتادان به‌کار از کار بهره می‌گیرند تا ناراحتی‌های عاطفی و احساس نابسندگی خود را پر کنند. آنها آدرنالینی را که سایر افراد از طریق هیجانانگیز و تفریحات به‌دست می‌آورند از طریق کار به‌دست می‌آورند، این افراد در مواقع کار کردن هیجان‌زده هستند و هورمونی تولید می‌کنند که بی‌نهایت وابستگی‌آور است: هورمون آدرنالین. تولید آدرنالین با فعالیت شدید فکری و جسمی و سپس احساس استهلاک و خستگی شدید همراه است. وقتی که خستگی فرا می‌رسد شخص دست از کار می‌کشد و این فرآیند منجر به اختلالات پریمیومی می‌شود که در آنها تحریک پذیری، عزت نفس پایین، اضطراب و افسردگی در فرد مشاهده می‌شود. فردی که به‌کار معتاد شده است برای غلبه بر این احساسات منفی شروع به چرخه جدیدی از وقف کردن خود در کار می‌کند. افراد معتاد به‌کار به نحوی در این چرخه دوگانه غوطه‌ورند که اغلب زمان اندکی برای اختصاص دادن به زندگی خانوادگی و تربیت فرزندان دارند. حتی زمانی که این افراد وقت خود را صرف فرزندان خود می‌کنند و اوقات خود را با آنها می‌گذرانند

سعی می‌کنند گرایشات و استانداردهای غیرواقع بینانه و غیرقابل دستیابی خود را به فرزندان خود منتقل کنند. آنها به فرزندان القا می‌کنند که تنها نمره خوب و قابل قبول نمره کامل است. فرزندان این افراد اغلب احساس شکست می‌کنند و احساس گناه و عذاب وجدان در سرتاسر زندگی همراه آنهاست. آنها در شرایطی بزرگ می‌شوند که متقاعدشان می‌کند آنها و عملکردشان ناکافی هستند. این فرزندان به احتمال بسیار زیاد تلاش خواهند کرد احساسات منفی‌شان را از طریق غرق کردن خود در کار یا سایر انواع رفتارهای جبرانی از بین ببرند. به این ترتیب چرخه ناقص ادامه می‌یابد و افراد بیشتری درگیر اعتیاد به‌کار می‌شوند. این نوع اعتیاد یکی از معدود اعتیادهایی است که نه‌تنها جامعه آن را محکوم نمی‌کند بلکه برای آن ارزش نیز قائل است، بنابراین مردم هراسی ندارند از اینکه به این اعتیاد اذعان کنند. افراد با افتخار اعلام می‌کنند که دیروز ۱۲ ساعت کار کرده‌اند، اینکه فرصت سر خاراندن ندارند و اینکه در کار غرق شده‌اند. رئیس شما یا همکارانتان ممکن است روش زندگی شما و اعتیادتان را ستایش کنند ولی لازم است بدانید که ادامه دادن این روش ممکن است سبب شود همکارانتان و رئیس‌تان تنها کسانی شوند که در زندگی برایتان باقی بمانند. فرزندان این افراد اغلب از عدم حضور فیزیکی و عاطفی پدر و مادر خود رنج می‌برند زیرا معتادان به‌کار اغلب وعده‌هایی را که به بچه‌هایشان می‌دهند نقض می‌کنند و در لحظات حساس زندگی فرزندان خود مثل جلسات دیدار با خانواده از سوی مدرسه، شرکت نمی‌کنند. تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که زنان و مردانی که دچار پدیده اعتیاد به‌کار هستند احساسات مثبت کمتری نسبت به ازدواج خود دارند (در مقایسه با افرادی با ساعت کار طبیعی) این افراد در زندگی زناشویی خود احساس بیگانگی و جدایی را گزارش کرده‌اند. افراد معتاد به‌کار بسیار بیشتر از زوجها و افراد معمولی مسائلی چون اضطراب، افسردگی، استرس شغلی، نارضایتی از زندگی و کار و مشکلات مربوط به سلامتی را تجربه می‌کنند.

اگر شما هم از مشکل مشابهی رنج می‌برید، پیشنهادات زیر را برای رسیدن به یک تعادل میان کار موفق و زندگی سالم در نظر بگیرید:

یک: خودتان را در ایام پیری تصور کنید خودتان را در ایام پیری‌تان تصور کنید، در سن بازنشستگی و در ایامی که دیگر قادر به‌کار نیستید، در آن سن وقتی به عقب نگاه می‌کنید چه چیزی را ارزشمندتر

می‌یابید؟ کارتان را؟ دفترتان را؟ یا خانواده‌تان را و اوقات ارزشمندی که با آنها داشته‌اید. این تخیلات به شما کمک می‌کند چیزی را که در زندگی برایتان مهم‌تر از همه چیز است کشف کنید.

دو: تفکر روزمره‌تان در مورد کار و اهمیت آن را به چالش بکشید.

واقعیت این است که کار شما هر قدر هم حیاتی و مهم باشد، زمانی که شما آن را انجام ندهید یا حتی بدتر وقتی شما از این دنیا رفته باشید، زمین کماکان به چرخش خود ادامه خواهد داد و چیز مهمی تغییر نخواهد کرد. زمانی که در خصوص لیست کارهایتان مضطربید، بخشی از وقتتان را به چالش اختصاص دهید، به اندیشیدن دوباره در خصوص خطاهای فکری‌تان و اصلاح کردن این خطاها.

سه: از دیگران بخواهید تعادل زندگی کاری‌تان را بررسی کنند.

از دوستان و خانواده‌تان راجع به ساعات کاری‌تان سوال کنید، افراد معتاد به‌کار اغلب از این واقعیت ناآگاه هستند که تا چه حد در کار غرق شده‌اند، آنها اغلب از عواقب منفی روحی و جسمی این مساله بی‌خبرند. انتقادپذیر بودن در مقابل نظرات اطرافیان مان یک گام مهم در جهت صداقت داشتن با خودمان است، وقتی نظرات آنها را بدانید بهتر می‌توانید اوضاع را کنترل کنید.

چهار: سابقه خانوادگی‌تان را در نظر بگیرید. پدر شما چند ساعت در هفته کار می‌کرد؟ ۱۰۰ ساعت یا صفر ساعت؟ هر دوی این پاسخ‌ها بد هستند. اگر پدر شما یک معتاد به‌کار بوده است احتمالاً شما نیز به نحوی در این چرخه قرار گرفته‌اید، احتمالاً شما نیز هم چون او ارزش خودتان را با میزان کاری که انجام می‌دهید می‌سنجید و دائماً به خاطر ساعات غیرکاری عذاب وجدان دارید، اما عکس این نیز صادق است اگر پدرتان فردی بیکار یا گریزان از شغل بوده است، احتمالاً زندگی شما با مشکلات بسیاری همراه بوده است که از کم کاری او ناشی شده‌اند، کار کردن اعتیادوار شما هم‌اکنون پاسخی دفاعی به این گذشته است، شما می‌خواهید کار کنید تا امنیت و آسایش داشته باشید. اما فراموش نکنید اعتیاد به‌کار به قدر بیکاری مضر است. بنابراین باید به دنبال راهی دیگر برای تسویه حساب با گذشته‌تان بگردید.

برگزاری صیغه عقد و طلاق

مورد تأیید سفارت ایران

تهیه و تنظیم وصیت نامه

شرعی و قانونی و مراسم تدفین

مشاوره خانواده با تعیین وقت قبلی

محمد حسین متقی ۰۷۴۰۲۰۹۰۹۸۷



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly

و دهها داستان عاشقانه دیگر که هویت و افتخار جوامع وابسته به آنهاست، «غیرطبیعی» و «بیمارگونه» هستند؟ شاید به همین دلیل «عشق بیمارگونه» به عنوان یک اختلال روان پزشکی در هیچ تقسیم بندی معتبر اختلالات روانی نیامده است. در حالی که این ملاحظه گری مثلا در مورد پدیده «سوغ» وجود ندارد و برای «سوغ بیمارگونه» معیارهای تشخیصی وجود دارد. واقعیت این است افرادی که عشق های بیمارگونه را تجربه می کنند به کمک تخصصی نیاز دارند. بعضی مطالعات نشان داده اند داروهایی که در گروه «مهارکننده های اختصاصی باز جذب سروتونین» هستند، غیر از عارضه کاهش میل جنسی، احساس وابستگی عاطفی را هم کم می کنند. از آنجا که عشق بیمارگونه و اعتیاد، شباهت های زیادی هم از نظر پدیدارشناختی و هم از نظر علت شناسی با هم دارند، داروهای ترک اعتیاد، عشق و دلبستگی به معشوق را هم کم می کنند و این یافته در مطالعات مختلفی ثابت شده است. اکسی توسین، وازوپرسین و دوپامین، هورمون هایی هستند که در هیجان عشق نقش دارند. بنابراین داروهایی که اثر این هورمون ها را خنثی کنند، می توانند در درمان عشق بیمارگونه کمک کننده باشند اما همه این صحبت ها در حد ایده های تحقیقاتی هستند و تا زمانی که علم روان پزشکی «عشق بیمارگونه» را به رسمیت نشناسد حداقل اجازه هیچ درمان دارویی برای کنترل عشق نداریم. در حال حاضر، روان درمانی می تواند به انسان ها کمک کند از عشق های بیمارگونه نجات پیدا کنند. علم عشق پژوهی در دوران طفولیت خود به سر می برد و هنوز واقعیت های زیادی را درباره آن نمی دانیم. امیدوارم روان پزشکان مطرح جهانی از وضعیت منفعلانه نسبت به واقعیت های اجتماعی بیرون بیایند و به «عشق بیمارگونه» نگاه واقع گرایانه تری داشته باشند.

نسبت به این موارد خاص عشق دارد؟ آیا آنها را در زمره اختلال های روانی قرار می دهد و تدبیر درمانی خاصی برای آنها اندیشیده است؟ متأسفانه علم روان پزشکی نگاهی بسیار محتاطانه به مفهوم عشق دارد و هنوز «عشق بیمارگونه» را به عنوان یک اختلال روان پزشکی نپذیرفته است. شاید این احتیاط ناشی از ترس روان پزشکان برای وارد شدن به مفاهیمی باشد که به شدت وابسته به فرهنگ هستند. هر جایی که صحبت از باورها، اعتقادات و مقدسات انسان ها باشد،



علم روان پزشکی پا پس می کشد و خودش را وارد ماجرا نمی کند. کافی است در یک کتاب روان پزشکی صحبت از «عشق بیمارگونه» شود. آن وقت است که سر و صدای دوستداران ادبیات و فرهنگ و هنر بلند می شود و می گویند یعنی می خواهید بگویید عشق «لیلی و مجنون»، «شیرین و فرهاد»، «رومئو و ژولیت»

برای روشن شدن مطلب چند مثال می زنم؛ دختری که توسط معشوقش مورد خشونت های پیاپی قرار می گیرد و همچنان عاشق اوست و نمی تواند از او دل بکند، پسری که سالیان سال است، خیال عشق ورزی یکطرفه با دختری را در سر می پروراند که او عاشقش نیست، مردی که دورادور عاشق و دلداده یک ستاره سینمایی شده و در این توهم توانایی برقراری ارتباط با اطرافیان را از دست داده، دختر باهوشی که پیش از یک امتحان مهم و سرنوشت ساز عاشق پسری با

عشق بیمارگونه با دارو درمان می شود!

دکتر حافظ باجغلی
روان پزشک و عضو کمیته بهداشت و سلامت جنسی
انجمن روان پزشکان ایران

جستجو برای «شفا» یا «درمان» عشق به قدمت پیدایش خود عشق است. این نوع نگاه بیمارگونه به سویه های تاریک عشق حتی در نوشته های شکسپیر که برجسته ترین شاعر عشق پرداز در ادبیات اروپایی است هم دیده می شود. ابوعلی سینا هم معتقد است عشق یک بیماری است. برنارد شو، نمایشنامه نویس مشهور ایرلندی می گوید: «عشق خشن ترین، دیوانه وارترین، هذیانی ترین و گذراترین هیجان انسانی است». آمبروز بیرس، نویسنده آمریکایی، با لحنی آمیخته به طنز می گوید: «عشق یک جنون موقتی است که با ازدواج درمان می شود». عشق یکی از بحث انگیزترین مفاهیم انسانی است و رویکردهای مثبت و منفی زیادی در مورد آن وجود دارد. بعضی از مردم عشق را بزرگترین موهبت هستی می دانند و بدون عشق همه چیز را بی معنا می بینند، در حالی که گروهی دیگر نگاهی بدبینانه به عشق دارند و آن را در طیف بیماری های روانی قرار می دهند. عده ای آن را آرمانی ترین جنبه معنوی انسان می پندارند و عده ای دیگر عشق را در حد هورمون ها و ناقلان عصبی - شیمیایی تقلیل می دهند. عشق تعریف خیلی مشخص و جامع ندارد. اما صرف نظر از تعریف آن و علت ها و زمینه هایی که انسان را به وادی عشق می کشاند، یک مساله وجود دارد که گمان نمی کنم کسی باشد که آن را نپذیرد. این مساله «غیرطبیعی بودن» و «بیمارگونه بودن» عشق در شرایط خاصی است.

تفاوت های عمده اجتماعی و فرهنگی می شود و مسیر زندگی اش به کلی متفاوت می شود و پسری که عاشق دختری می شود و پس از شنیدن پاسخ منفی او را به قتل می رساند. اینها مواردی است که من در طبابت روان پزشکی، بارها با آن مواجه شده ام. حال این سوال پیش می آید که علم روان پزشکی چه موضعی

LEMOGE CLINIC

Dr Abbas Shirafkan, Dr Atena & Dr Hanieh, Dr Mohammad, Dr Hakim

کلینیک زیبایی لیموژ (۶ شعبه)

Queens Park
47 Salusbury Rd
London NW6 6NJ
020 7912 0920
020 7604 3124

Lemoge Clinic
57 Salusbury Rd
London NW6 6NJ
020 7624 3040
020 7624 7585

Lemoge Swi Cot
122 Finchley Rd
London NW3 5HT
020 7794 7070
020 7794 7080

Lemoge Clinic
94 Kilburn Hi Rd
London NW6 4HS
020 7624 6644
020 7624 5533

Lemoge Clinic PRP
341 Kilburn Hi Rd
London NW6 7QB
020 7625 6060
020 7625 5500



By Dr Mohammad at No 341

www.lemogeclinic.co.uk

Beauty-Hair-Tanning- Slimming- Botox- Fillers
All Prices in this advert, strat from

SPECIAL OFFER Under arm LASER £20 normally £50			
Upper lip LASER	£20	Full leg wax	£12
Face LASER	£45	Slimming LPG	£45
Full Legs IPL	£ 49	Pigment removal , TATTOO	
Bikini Laser	£ 49	Microdermabration	£30

14 LASER Machines : NDYAG, IPL, Ecolite,
Alexandrite laser, Any Area, Man/Woman, Any Skin
Botox: £130 Fillers: £200 Lips Enlargement: £200
Chemical Peels, Cheek enhancement

Lemoge (main) drshirafkan@hotmail.com

191 Kilburn Hi Rd, London NW6 7HY

0207372 0044-020 7372 4433

مشاور رایگان توسط دکتر عباس شیرافکن

همه روزه از ساعت 7-4 بعد از ظهر و شنبه ها تمام روز

در کلینیک Lemoge در 191 Kilburn



بزرگ کردن لب از بین بردن خط خنده

At No 57 or 341

از بین بردن جوش صورت و رگهای قرمز - خال های پوستی
چروک صورت - لکه های پوستی و سایر موارد زیبایی

لیزر و IPL برای از بین بردن موهای زائد، صورت و بدن
برداشتن لکه های صورت، جوان کردن صورت

تخفیف استثنایی ویژه ایرانیان

لیزر کامل پا ۹۹ پوند، لیزر زیر بغل ۲۲ پوند

لیزر بیکی نی ۴۵ پوند، لیزر چانه ۲۰ پوند

بوتاکس ۱۳۰ پوند، لایه برداری و جوان سازی پوست ۶۰ پوند

از بین بردن رگهای قرمز و خالهای پوستی از ۳۵ پوند



ماهیت جوش

از دیدگاه حکما پوست به عنوان یک اندام دفعی محسوب می شده است همچنین بدن دارای یکسری اعضای داخلی است (اعضای داخلی بدن به اعضای رئیسه و اعضای غیر رئیسه تقسیم می شوند) و همه این اعضا از دیدگاه طب ایرانی دارای یکسری فضولات هستند که باید از طرق مختلف مانند مدفوع، عرق یا ادرار دفع شوند.

به همین دلیل اگر فردی دارای مشکلات داخلی باشد به طور مثال دارای پیوست باشد. راه دفعی ساده طبیعت (از راه مدفوع) بسته شده است، در این زمان طبیعت بدن ما به دنبال راه هایی دیگر برای دفع می رود و شاید بتواند مقدار کمی از این دفعیات را از راه ادرار دفع کند، اما به کرات دیده می شود افرادی که دارای پیوست هستند به مشکلات پوستی نیز مبتلا می شوند و به نظر می رسد طبیعت دارد دفعیات را به سمت پوست منحرف می کند.

جوش دموی

در جامعه ما به علت پر خوری و رژیم نامناسب غذایی افراد بعضا دچار جوش هایی می شوند که اصطلاحا به آنها «جوش دموی» می گویند. افراد با جوش های دموی حجامت می شوند و به حجامت پاسخ خیلی خوبی می دهند. این نکته بسیار حائز اهمیت است که مبتلایان به جوش باید بدانند درمان جوش صرفا حجامت نیست و حجامت تنها یک روش درمانی برای رفع جوش است که حتما باید با تجویز پزشک معالج انجام شود.

علت جوش از دیدگاه طب سنتی

در کتب مختلف طب سنتی و طب ایرانی از جوش بنام ورم نام برده شده است. ورم دارای انواع مختلفی است که می تواند در نواحی مختلفی از بدن نمایان شود. همچنین

دشمن زیبایی

بیماری های پوست یکی از مورد توجه ترین بیماری ها در بین بیشتر افراد به ویژه خانم ها و همچنین قشر جوان و نوجوان جامعه است. یکی از شایع ترین مشکلات پوستی، جوش های پوستی هستند. در این مقاله سعی بر آن داریم در ابتدا به بررسی تخصصی جوش از دیدگاه طب سنتی و سپس به روش های درمانی جوش ها از دیدگاه طب سنتی بپردازیم.

در طب سنتی طیف گسترده ای از نسخه های درمانی را جهت فرو نشاندن ورم بیان کرده اند. علت ورم را به اخلاط نسبت می دهند و علاوه بر این از دیدگاه طب ایرانی می تواند دارای علت های مختلف دیگری نیز باشد و دقیقا به همین دلیل است که برای همه افراد دارای جوش ما نمی توانیم از یک نسخه واحد استفاده کنیم.

تغذیه

یک بحث مهم و اساسی در زمینه جوش تغذیه است و زمینه درمانی گسترده ای را برای پزشک معالج باز می کند. باید توجه شود که جوش یک بحث طولانی مدت است و اکثر بیماران مراجعه کننده به این مساله اشاره

پس ارتباط بین پوست و اعضای داخلی بدن مشخص است و ما باید جهت درمان، ابتدا اعضای داخلی را درمان کنیم، اگر فردی پیوست دارد باید ابتدا آن را برطرف کند، اگر فردی دچار اختلالات رحمی و تخمدان مانند پی سی او باشد ابتدا باید به درمان اینها پرداخته شود و بالطبع پس از درمان این موارد، پوست به سلامت کامل خود خواهد رسید.

دقیقا به همین دلیل است که پزشکان پس از مشاهده اختلالات پوستی ابتدای امر به بررسی شرح حال اعضای داخلی بدن می پردازند. پس طبیب و درمانگری که می خواهد به درمان بیماری های پوستی بپردازد باید ابتدای امر به بررسی مسائل داخلی بدن بپردازد.

دارند که یکی دو سال است اسیر جوش هستند و معمولا آخرین روش درمانی را که برای رفع و درمان جوش های خود انتخاب می کنند طب سنتی یا طب ایرانی است. در بحث غذا درمانگر باید با اصلاح رژیم غذایی بیمار شرایطی را فراهم آورد که خیال بیمار را برای همیشه از عارضه جوش آسوده کند اما این کار باید آرام آرام صورت گیرد. معمولا افرادی که دارای تعداد زیادی جوش هستند دچار پر خوری اند و این افراد گرایش زیادی به گوشت و شیرینی ها دارند. در مانگر باید به عنوان توصیه از بیمار بخواهد که میزان مصرف گوشت و شیرینی ها را کاهش دهد. توصیه می شود که یک روز در هفته، آش گشنیز (گشنیز طبع سرد و خشک دارد، و التهاب پوست را می گیرد) درست کرده و میل نمایند (در این آش از گوشت و مرغ نباید استفاده کرد و باید آن را با گشنیز زیاد، درست کرده و مواد دیگری مانند شنبلیله، تره، جعفری و با توجه به فصل سال از برگ چغندر و یا برگ اسفناج نیز استفاده شود). همچنین چون از این آش به عنوان یک وعده غذایی استفاده می شود می توان مقداری برنج نیز به آن افزود.

بیمار یک روز در هفته را باید به عنوان روز رژیم خود انتخاب کرده و در آن روز یک پیاله از این آش را به عنوان صبحانه، یک پیاله میان وعده، یک پیاله نهار، یک پیاله عصرانه و یک پیاله به عنوان شام میل نماید. این عمل و این رژیم غذایی باعث پاکسازی روده می شود. پس از پاکسازی روده، طبق قانون خلا، مواد می توانند از سایر سطوح به سمت روده کشیده شوند یعنی طبیعتی که مواد را دارد به سمت پوست دفع می کند (و جوش ایجاد می شود) حال مواد را به سمت روده دفع می کند. این دسته افراد پس از مدتی آش را به عنوان یک رژیم غذایی



سازمان گردهمایی شاهین
برای بزرگسالان و بازنشستگان

هر پنجشنبه

آموزش روشهای خود شناسی
روان درمانی گروهی
اطلاعات پزشکی عمومی

از ساعت ۱۲ - ۱۵/۳۰

تلفن: ۰۲۰۷۲۲۱۵۷۶۳ - ۰۷۹۶۱۴۴۷۱۱۶

(Resident Club Room
Henry Dickens Court)

Saint Ann's Road
W11 4DH

Tel: 020 7221 5763 - Mobile: 07961 447116
Email: persiancarecentre@hotmail.co.uk

نزدیک ترین آندرگراوند . لتیمر رود

Nearest Underground Station is Latimer Road
(Hammersmith & City Line and Circle Line)

اتوبوس: ۲۹۵ و ۳۱۶
ایستگاه اتوبوس اول شام استریت

Bus : 316, 295
Bus Stop : Wilsham Street

ورود برای عموم آزاد است

سرریعترین روش روانکاو از طریق هیپنوتراپی
- روانکاو و هیپنوتراپیست



هیپنوتیزم درمانی
توسط خانم
دکتر روحی شاهین
درمان همه مشکلات:

رفع وحشت و اضطراب از پرواز، حل مشکلات خانوادگی، اضطراب - افسردگی، ترک عاداتهای ناخواسته، ترس ها - نگرانی ها، کسب اعتماد بنفس و رفع خجالت، ترک سیگار در یک ساعت، ترمیم غم از دست رفته ها و اتفاقات

فارغ التحصیل در رشته روانکاو و مشاوره هیپنوتراپی تأیید شده از (London University) توسط وزارت بهداشتی انگلستان قاضی دادگاههای فرجامی در بیمارستانهای اعصاب لندن عضو جامعه روانکاو انگلستان استاد تعلیم هیپنوتیزم درمانی و دادن مدرک تأیید شده از کنسول هیپنوتراپی لندن برگزار کننده سمینارهای تجربی و روانکاو

www.advancehypnotherapy.com

Tel: 020 7221 5763

Mob: 07961 447116

10 Harley Street W1



Visit us on Facebook.com/persianweeklypaper
Follow us on Twitter@persianweekly



کلوپ فرشتگان

موسیقی، رقص، شعر، مسابقات و سرگرمی، تورهای تفریحی
نمایش فیلم و تئاتر، پذیرایی با ناهار (با سفارش قبلی)

کلوپ فرشتگان با ارائه برنامه های متنوع مقدم شما
مهمانان را در هر شرایط سنی گرامی میدارد.

079 0320 9503

حامیان: سازمان مراعاتی پارس، دکتر رضا
و رستوران همیش

Greenside Community Centre,
24 Lilestone Street, London NW8 8SR

نزدیکترین ایستگاه: Marylebone and edgware Road

www.hamyarcharity.com



می پذیرند و از این سبک زندگی و تبعات مفید درمانی پس از آن لذت خواهند برد.

خواب و بیداری

در مبحث خواب مهم ترین نکته ای که باید در مورد افراد دارای جوش لحاظ شود میزان خواب کافی است و این دسته افراد باید موقع طلوع آفتاب بیدار شوند. برای اغلب خانمها رنگ چهره بسیار مهم است، این دسته از خانمها باید به این نکته توجه کنند زمانی که صبح می شود و هنگام طلوع آفتاب روح انسان چون از جنس نور است به سطح بدن می آید و سفارش بسیار شده است که انسان در این زمان از خواب بیدار شود و افرادی که در این زمان بیدار می شوند معمولا افرادی هستند که برق چشم زیادی دارند، عدم خواب در زمان مناسب و به میزان کافی منجر به حس کسالت در طی روز می شود. به این دسته افراد توصیه می شود تا به آرامی به اصلاح عادت خواب خود بپردازند. توصیه می شود شبها پیش از خواب مقداری کاهو میل شود چون با خوردن کاهو خون انسان خوشرنگ می شود (کاهو مرقق است و سبب رقیق شدن خون می شود). کاهو می تواند در قالب یک سالاد کاهو میل شود. این سالاد شامل مقدار زیادی کاهو، هویج پخته رنده شده، مقداری پودر نعناع، مقداری پودر سیر، دو قاشق غذاخوری روغن زیتون و اگر می خواهید حالت رژیمی نیز به این سالاد بدهید بهتر است تکه های نان جو نیز به آن اضافه کنید.

احتیاس، یبوست و استفراغ

جهت درمان جوش این قبیل افراد باید ابتدا اجابت مزاج سهل صورت گیرد. توصیه می شود صبحها یک قاشق غذاخوری خاکشیر در یک فنجان آب داغ به صورت ناشتا میل شود. این

سبب اجابت مزاج و خوشرنگی پوست می شود و همچنین می تواند مواد زائد تجمع یافته در زیر پوست را به سمت بیرون بکشد.

ماسکهایی برای پوست های جوش دار

اسپری گلاب: یکی از ساده ترین و در دسترس ترین ماسکها اسپری گلاب است. گلاب منافذ پوستی را می بندد، از شل بودن و افتادگی پوست جلوگیری می کند و هم اینکه نمی گذارد پوست دوباره دچار جوش شود. اسپری گلاب از آن جهت که گلاب قابض است برای درمان منافذ باز پوستی بسیار کارآمد است. ماسک شوید و بابونه: یک قاشق غذاخوری از شوید و بابونه در یک لیوان آب دم شود و بعد این را صاف کرده و روزی دو سه بار پوست با این مایع شست و شو داده شود. این ماسک بیشتر برای جوش های سرسفید و سرسیاهی که هنوز عمیق و فراگیر بر روی سطح پوست نشده اند، توصیه می شود. ضماد آرد گندم و سکنجبین: قطره قطره سکنجبین (در صورت نبودن سکنجبین از سرکه می توان استفاده کرد اما سرکه را باید با آب مخلوط کرده چون ضماد با سرکه خالص بسیار تند و تیز می شود) را بر روی پودر آرد گندم اضافه کرده تا حدی که به قوام ماسک برسد. این ماسک را می توان برای پوستی استفاده کرد که خیلی التهاب ندارد. ضماد حنا: برای افرادی است که پوست آنها دارای التهاب است یک توصیه ساده این است که حنای بی رنگ را تهیه کرده و در آن روغن زیتون قطره قطره اضافه کرده تا به قوام ماسک برسد و این را بر روی نواحی دارای جوش های قرمز رنگ بگذارند. توصیه کلی در استفاده از ماسکها این است که جهت جلوگیری از بروز هرگونه آلرژی پوستی بهتر است پیش از استفاده از ماسکها افراد آنها را روی پوست نواحی دست و بازوی خود تست کنند.

مدرسه اندیشه



کلاس های آموزشی کودکان، نوجوانان و بزرگسالان

آموزش زبان فارسی

از سطح ابتدایی تا A Level, GCSE

آموزش ریاضی

از سطح ابتدایی تا A Level, GCSE توسط معلم با تجربه ی

تدریس در مدارس لندن

زمان تشکیل کلاس ها: روزهای شنبه از ساعت ۱۴ تا ۱۷

ثبت نام ترم جدید ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۵

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن

07846 508 534 تماس بگیرید

Trinity Church Golders, 88 Hodford Road
Golders Green
London NW11 8EG

Tel 07846 508 534

www.andishehschool.org.uk
Email: info@andishehschool.org.uk



یورو می‌خرند؛ حس کردم ممکن است این شانس که به من رو کرده از دستم برود. خیلی از تیم‌ها شیوه بازی لستر را یاد گرفته بودند و حس کردم از آنجا که لستر باشگاه کوچکی است، رفته‌رفته امتیاز از دست بدهد. از طرفی همسرم به من گفت با همین پول هم می‌توانیم سروسامانی به آشپزخانه بدهیم و از طرفی فکری هم برای طبقه بالای سرمان کنیم. البته پسرم به من گفت این کار را نکنم ولی در نهایت خودم تصمیم گرفتم شرطم را به مبلغ ۳۷ هزار یورو بفروشم». جان با این حال از آنجا که پیش‌بینی کرده بود لستر فصل را در میان سه تیم بالای جدول تمام می‌کند، پنج هزار یورو بیشتر هم به جیب زد.

ورشکستگی بنگاه‌های شرط‌بندی

با وجود همه تلاش‌ها مبنی بر خریدن بلیت بسیاری از کسانی که روی قهرمانی لستر شرط بسته بودند، با این حال بنگاه‌های شرط‌بندی باز هم ضرر زیادی کردند و ورشکست شدند؛ به گزارش ESPN در مجموع بنگاه‌های شرط‌بندی از قهرمانی لسترستی رقمی نزدیک به ۱۴ میلیون یورو متضرر شده‌اند. این رقم شامل تمام پیش‌بینی‌هایی بوده که یک پایش لستر بوده است؛ چه قهرمانی، چه حضور در لیگ قهرمانان فصل آینده و چه حضور در جمع سه تیم بالای جدول. ظاهراً مشهورترین کسی هم که بین ۲۴ نفر باقی‌مانده بوده که حاضر به فروش بلیتشان نشده‌اند، تام هنکس، هنرپیشه معروف هالیوودی است که صد پوند روی قهرمانی لسترستی شرط بسته است؛ او حالا می‌تواند به پنج هزار برابردن سرمایه‌اش افتخار کند.

و برهنه‌شدن گری لینکر!

این موضوع شاید دست‌کم از ورشکستگی نداشته باشد؛ اینکه گری لینکر، اسطوره فوتبال انگلیس، در میانه‌های فصل و زمانی که لسترستی شروع به درخشیدن کرده بود، وعده عجیبی داد؛ او که مفسر شبکه تلویزیونی مشهوری در انگلیس است، گفته بود لسترستی قهرمان نمی‌شود و اگر قهرمان شود، حاضر است با لباس زیر در برنامه تلویزیونی حاضر شود! حالا شاید او باید یکی از سخت‌ترین چالش‌های تلویزیونی‌اش را پشت‌سر بگذارد.

وضعیت باشگاه در فصل جدید با خریدهای گمنام، افراد کمی را راغب کرد روی قهرمانی این تیم شرط ببندند؛ از این میان آنهایی هم که وارد شرط‌بندی روی قهرمانی لستر شدند، حاضر به پرداخت هزینه‌های سنگین نبودند و بیشتر بین پنج تا ۱۰ پوند شرط بستند.

کاش ۱۰ پوند شرط می‌بستم

کمتر پیش می‌آید که این‌گونه مواقع یکی از هواداران تیم روی قهرمانی شرط ببندد با این حال لایت هربرت یکی از افرادی است که ابتدای فصل روی قهرمانی لسترستی شش یورو شرط بست. او در نهایت و حالا که لسترستی جام قهرمانی را به دست آورده، ۳۰ هزار یورو به جیب زده است. لایت که با دیلی‌میل حرف می‌زد، در این باره گفت: «کاری به این چیزها ندارم. این روزها فقط یک سؤال از خودم می‌پرسم که چرا آن روز کدایی ۱۰ پوند (۱۲ یورو) روی قهرمانی لسترستی شرط نبستم». طبق گزارشی که ESPN نوشته، تعداد افرادی که روی قهرمانی لسترستی ابتدای فصل شرط بسته‌اند، ۴۷ نفر بوده‌اند. ابتدا این تعداد تهدیدی برای بنگاه‌های شرط‌بندی نبوده ولی هرچه بازی‌ها جلوتر رفته و لسترستی به صدر جدول نزدیک شده، هراس و دلهره، بنگاه‌های شرط‌بندی را دربر گرفته است. البته آنها در همان میانه‌های فصل دست به کار شدند و سعی کردند با تطمیع افرادی که روی قهرمانی لسترستی شرط بستند، بلیت بخت‌آزمایی‌شان را بخرند.

همسرم گفت بفروش، پسرم گفت نه

«بیزینس اینسایدر» در گزارشی که درباره بنگاه‌های شرط‌بندی نوشته، به این‌مورد اشاره کرده که بسیاری از بنگاه‌های کوچک تا آستانه ورشکستگی هم پیش رفته‌اند. البته در این میان به این موضوع اشاره شده که بنگاه‌های شرط‌بندی از میانه‌های فصل از ۴۷ بلیت موفق شده‌اند بلیت‌های زیادی را بخرند؛ هرچند در نهایت ۲۴ نفر حاضر به فروش بلیت شرط‌بندی‌شان نشدند. یکی از افرادی که در این بین فریب خورده و شرطش را به بنگاه‌های شرط‌بندی فروخته، جان پریکی ۵۹ ساله است که ماجرا را این‌طور توضیح می‌دهد: «من ۲۵ یورو روی قهرمانی لسترستی شرط بستم که باید طبیعتاً نزدیک به ۱۳۰ هزار یورو پول می‌گرفتم ولی چند هفته مانده به مسجل شدن قهرمانی لسترستی، از بنگاه به من زنگ زدند و گفتند بلیت من را ۳۷ هزار

برنده خوشبخت ۵ هزار برابر پول درآورد

لسترستی کمر بنگاه‌های شرط‌بندی را شکست

تساوی دوشنبه شب تیم‌های چلسی و تاتنهام در لیگ برتر انگلیس در فاصله دو هفته مانده به پایان این رقابت‌ها، رأی به قهرمانی تیم شگفتی‌ساز لسترستی داد تا شاگردان کلودیو رانییری (سرمری لستر) برای اولین بار در تاریخ، طعم قهرمانی در جزیره را بچشند. این تیم شگفتی‌ساز که با هزینه‌ای نزدیک به ۴۰ میلیون یورو جمع‌آوری شده بود، تمام معادلات فنی در لیگ برتر انگلیس را به هم زد و جام قهرمانی را بالاتر از تمام تیم‌های مطرح انگلیس از جمله، یونایتد، سیتی، آرسنال، چلسی، لیورپول و البته تاتنهام به دست آورد. قهرمانی لسترستی در لیگ برتر انگلیس به غیر از معادلات فوتبالی، مسائل غیرفوتبالی از جمله بنگاه‌های شرط‌بندی را به شدت تحت‌تأثیر قرار داد.

برای واشکافی این موضوع باید سری به ابتدای فصل زد، جایی که بنگاه مشهور شرط‌بندی «بوک مارک» در انگلیس اعلام کرد شرط‌بندی روی باشگاه لسترستی یک به پنج هزار است! در واقع دست‌وپازدن لسترستی برای بقا در لیگ در فصل گذشته، مسئولان این بنگاه را تا جایی غافل کرده بود که یک به پنج هزار هم شانس برای قهرمانی لسترستی در لیگ برتر انگلیس قائل نبودند. به این ترتیب هرکسی که می‌خواست روی قهرمانی لستر شرط ببندد، به ازای هر پولی که پرداخت می‌کرد، پنج هزار برابر بیشتر عایدی به دست می‌آورد.

کارنامه نه‌چندان درخشان لسترستی در لیگ برتر انگلیس و از طرفی



Cheapest flights to IRAN



Tehran **£245**
 Tabriz **£335**
 Shiraz **£315**
 Isfahan **£335**
 Mashhad... **£335**

Tehran
£329
 Start: 15 July 16

Tehran
£280
 Start: 17 April 16

Tehran
£245

Tehran
£378

Najaf
£355

Dubai
£315

Tehran
£379

Call us now or book online

www.YouShouldTravel.com

0207 100 0151





No. 443

Friday 13 May 2016

Published Since 2007

Registered as a Weekly Paper

Editor-in-Chief:

Abbas Najafi Zarafshan

Contributors:

Ala Amirshahi

Amir Arsalan Yektamanesh

Naser Nourozi

Marketing:

07811000455

sales@persianweekly.co.uk

Website:

www.persianweekly.co.uk

Tel: 020 7193 5592

Mobile: 07811000455

Email:

info@persianweekly.co.uk

Published Since 2007

Registered as a Weekly Paper

DON'T FORGET

Help to keep public area clean and tidy for everyone by taking your copy of Persian Weekly paper with you, when you leave When you have finished with this publication please recycle it.



ISSN 2042-213X



LONDON FREE / All other UK major Cities 50p - European Countries €1.50 - Scandinavia : Kro 20.00 - USA: \$2.00 - Other Countries: equivalent £2.00 انگلستان یک پوند - کشورهای اروپایی 1/50 یورو - کشورهای اسکاندیناوی 20 کرون - آمریکا 2 دلار - سایر کشورها معادل 2 پوند. بهای تکفروشی: شهر لندن رایگان - دیگر شهرهای

Ghazal of Hafez Shirazi

In Persian with English translation

Original Translation by Henry Wilberforce Clarke (1840-1905)

Compiled and Corrected by Dr. Behrouz Homayoun Far

کلام آخر

غزلی از حافظ

ترجمه: هنری ویلبرفورس کلارک

گردآوری و ویرایش: دکتر بهروز همایون فر

نگاهی به زندگی و زمانه رئیس‌کل بانک مرکزی در دهه پنجاه

سرگذشت مهران

شادی معرفتی - قسمت اول



حسنعلی مهران در آستانه ۸۰ سالگی است و همچنان فعال و پرنانژی. کمتر از خودش می‌گوید و می‌نویسد، و بیشتر از آنچه به آن عمل کرده، می‌گوید و برخلاف بسیاری دیگر، در خاطراتش نه کسی را مدح کرده و نه کسی را گفته و نه خودش را تبرئه کرده است. در مورد آدم‌ها، به بیوگرافی کوتاهی بسنده کرده و حتی در مورد خودش هم به همین مختصر، وفادار بوده است. همین

است که کتاب «سیاست‌ها و اهداف بانک مرکزی ایران» کمتر اطلاعاتی از سرگذشت نویسنده‌اش به ما می‌دهد. خودش می‌نویسد: «سعی من بر این بوده است که تمرکز این کتاب بر بانک مرکزی ایران و نقش این موسسه در مدیریت اقتصادی کشور باشد، نه زندگانی شخصی نویسنده.» و در تمام کتاب، به این جمله متعهد مانده است.

خاندان غلامحسین خان

حسنعلی مهران، فرزند میرزا حسن‌خان، از خاندان مهران یکی از خانواده‌های بافضیلت و تحصیل‌کرده ایران است. جد این خاندان میرزا غلامحسین خان نام داشت که پس از انجام تحصیلات معمول زمان به استخدام وزارت داخله درآمد و مدت‌ها حاکم شهرهای مرزی ایران بود. روزنامه‌های آن زمان به نیکی و درستکاری از او یاد کرده‌اند. پسران او همه از مردان متقی و تحصیل‌کرده روزگار خود بوده‌اند که مشاغل دولتی همچون وزارت دادگستری و وزارت فرهنگ را عهده‌دار شدند. میرزا حسن‌خان فرزند غلامحسین مردی شاعر و فاضل بود که صاحب ۱۲ فرزند شد و فرزندان او در مصدر مشاغل مهم قرار گرفتند.

حسنعلی مهران: پیش از ریاست بانک مرکزی

حسنعلی مهران در سوم دی‌ماه ۱۳۱۶ در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی در مدرسه ادب و پانزده بهمن، سال‌های اول، دوم دبیرستان را در مدرسه علمیه گذراند و از سال سوم تا ششم ریاضی را در دبیرستان البرز خواند. در سال ۱۳۲۴ پس از اخذ دیپلم ریاضی عازم انگلستان شد. وارد دانشگاه ناتینگهام شد و در رشته علوم سیاسی و اقتصاد لیسانس گرفت.

پس از پایان تحصیلات در دانشگاه ناتینگهام انگلستان، مدتی در دانشگاه بریستول به کار تحقیق و تدریس مشغول شد. ابتدا به عنوان دستیار تحقیق و بعد در مقام دبیر آمار اقتصادی مشغول تدریس و تحقیق شد. او آمار و درآمد ملی تدریس می‌کرد و با پروفیسور آلن براون استاد اقتصاد آن زمان همکاری می‌کرد (مهران، حسنعلی، هدف‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی ایران، ص ۸۸). از آنجا به واشنگتن رفت و در آوریل ۱۹۶۸ به استخدام اداره ارز و تجارت صندوق بین‌المللی پول درآمد و تا اکتبر ۱۹۶۹ در خدمت صندوق بود. در پاییز ۱۳۴۸، با استفاده از مرخصی بدون حقوق، به دعوت هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد به وزارت اقتصاد رفت و در سمت قائم‌مقام مدیرعامل مرکز بررسی‌های صنعتی و بازرگانی و مدیرکل اقتصادی شروع به کار کرد. در سال ۱۳۵۰، به سمت معاون اقتصادی و بعد از ایجاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۵۲ به سمت معاون کل این وزارتخانه مشغول خدمت شد.

ادامه دارد

باستانی پاریزی: مورخ، طنز و حکیم

غلامرضا ظریفیان استاد تاریخ اسلام و از شاگردان باستانی پاریزی

گرچه از هر ماتی خیزد غمی / فرق دارد ماتی با ماتی / لاجرم در مرگ مردان بزرگ ای دریغ‌گفت باید عالمی در آستانه سالگرد رحلت مورخ بزرگ، ادیب و به عبارتی مرد عرصه رسانه و روزنامه‌نگاری، زنده‌یاد دکتر باستانی پاریزی هستیم. باستانی بدون شک یکی از مورخان بزرگ ۷۰ سال اخیر کشورمان است. تالیف بیش از پنجاه کتاب و صدها مقاله علمی داخلی و خارجی و تربیت صدها دانشجوی دکترا و کارشناسی ارشد و هزاران دانشجو از جمله آثار علمی اوست. کار مورخان بررسی عالمانه رخدادها و گزارش کثرت‌های این عالم است و آنان از طریق تبیین، تعلیل و تحلیل به حکمت‌های رخدادها می‌رسند. باستانی پاریزی علاوه بر این ویژگی طنز را بستر مناسبی برای رسیدن به حکمت‌های رخدادها یافته بود. بنابراین او از طریق استفاده بجا و درست از طنز از ورای رخدادها و کثرت‌ها به باطن رخدادها و وحدت‌ها می‌رسید و از این رهگذر کار مورخانه او، اگر نگوییم بی‌نظیر بود به درستی کم‌نظیر است. تعبیر زیبایی باستانی دارد که من شربت تلخ تاریخ را به شهد شیرین طنز ادبیات و شعر می‌آمیزم و این داروی مورد نیاز جامعه (تاریخ) را با حلاوت به کام مردم می‌رسانم و به همین دلیل است که او موفق شد تاریخ را به میان مردم ببرد.

باستانی به‌رغم گستردگی دانش و توانایی‌های بی‌نظیرش در علم تاریخ، ادبیات، شعر و حتی چاشنی‌هایی از جامعه‌شناسی و سیاست خدای بی‌تکلفی است. در اندیشه ساده و روان و بی‌گره حرف می‌زند. در منش و رفتار در اوج بی‌پیرایگی است و در اخلاق علمی و سلوک عملی مانند آب روشن و بدون پیرایه‌ها و آلابه‌هاست. ظرافت فرهنگ ایرانی را دارد که گفت: جریده رو که گذرگاه عاقبت تنگ است. اما در ورای این احتیاط بیانش برای همه سیاستمداران، اهل ادب و فرهنگ، مورخان و عامه مردم تذکار و یادآوری است. هرگاه کتاب او را از هر کجا که باز کنی، بعد از مدت اندکی مطالعه به یک رشته محکمی می‌رسی که برایت جالب و پیگیر است و به همین دلیل است که مرحوم افشار که

خود از بزرگان ادب تاریخ است، می‌گوید که مقالات باستانی پر است از مطالب بسیار اما نکات نغز و قابل تامل. باستانی که در پاریز به دنیا آمده است و تاریخ زندگی خودش را از «پاریز تا پاریس» به رشته تحریر درآورده است، پدرش فردی تعزیه‌خوان است و بسیار مورد اعتماد. دوست دارد که پسرش همانند او روضه‌خوان و تعزیه‌گردان شود. اما او با طنز می‌گوید که این امر پدر را به‌گونه دیگر انجام دادم. به عرصه تاریخ آمدم تا بتوانم به درستی شمرهای عالم را مورد واکاوی و شناسایی قرار دهم. باستانی دانشمندی بی‌درد نیست، رنج بشر را خوب می‌فهمد. بی‌خود نیست که استاد دوران مدرسه‌اش به او می‌گوید هر وقت به پاریس رفتی از طرف من بر سر قبر ویکتور هوگو که خالق رنج‌های بزرگ است برو و از طرف من برای او فاتحه‌ای بخوان. با هنرمندان حشر و نشر دارد. با هنرمندان بزرگ همانند استاد محمدعلی کشاورز او خاطرات بسیاری نقل می‌کند. وقتی در سال ۱۳۶۲ به تماشای فیلم مستند «مرثیه گمشده» سینایی می‌رود و رمز آوارگی لهستانی‌ها را در این اثر می‌بیند به دلیل همان روحیه بشردوستانه‌اش در کتاب «شاهنامه آخرش خوش است» می‌نویسد این فیلم را باید دید، از شاهکارهای مستند روزگار ماست. باستانی تاریخ را برای تاریخ نمی‌نویسد.

او به درستی علم تاریخ را علم اکنون می‌داند و بنابراین آنچه که می‌نویسد، از هر کجای تاریخ؛ چه گذشته دور و چه گذشته نزدیک، برای سهل امروز می‌نگارد. اینکه ما در کجا ایستاده‌ایم، ضرورتا در بستر تاریخی باید آن را جست‌وجو کرد. پاریزی از علوم مختلف برای درک تاریخی استفاده می‌کند، بنابراین گسترش دانشش علوم مختلفی را دربرمی‌گرفت و معتقد است برای فهم تاریخ باید سراغ رشته‌های مختلف رفت. باستانی اهل مدارا و گفت‌وگو است و به شاگردانش و در کتاب‌هایش به همه مردم راه و رسم مدارا و گفت‌وگو را از امروز تا به دیروز برای فردا به ما می‌آموزد. او پلی بود میان گذشته و حال برای آینده ما. حافظه بی‌نظیر دارد و با خلاقیت به تواضع و فروتنی رفتار می‌کند. هر که با او روبه‌رو شده است، اینگونه فکر کرده است که گویی سالیان دراز با او آشنا بوده است. کار سترگ دیگر پاریزی، کرمان‌شناسی است.

او به‌رغم اینکه یک مورخ بزرگ ایرانی بود و در هفت اقلیم عالم پا گذاشت، اما هیچگاه زادگاه خودش پاریز و کرمان را فراموش نکرد و بسیاری از معارف بزرگ کرمان و شناخت این منطقه بزرگ مدیون باستانی پاریزی است. حاصل آنکه برای باستانی پاریزی می‌توان در عرصه تاریخ و تاریخ‌نگاری و ادبیات و روزنامه‌نگاری حدیث مفصل گفت که در این مختصر نمی‌گنجد، مصداق روشن این شعر است: می‌نماید آتش و جمله خوشی است، روشن اندر روشن اندر روشنی است.

هفته نامه پرشین را هر هفته روی موبایل خود دریافت نمایید.

